

صلاحیت تجویزی ج.ا.ایران جهت تعقیب و محاکمه آمر و عاملین ترور سردار سلیمانی از منظر حقوق کیفری بین‌الملل

جعفر کوشا^۱، حسین میرمحمدصادقی^۲، رجب گلدوست جویباری^۳، اکبر علیزاده^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۸

چکیده

زمینه و هدف: پس از ترور منجر به شهادت سردار سلیمانی و همراهان ایشان، از جمله مباحث مطرح در محافل بین‌المللی و داخلی، صلاحیت محاکم و نحوه تعقیب و محاکمه آمر و عاملین آن بوده است. تروریسم دولتی، مصونیت دولت، مصونیت سران دولت‌ها، صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی و نظایر اینها، عمده مطالعاتی هستند که پس از ارتکاب این ترور، توسط صاحب‌نظران و محققین انجام یافته است. از جمله مباحثی که در این خصوص مغفول مانده، صلاحیت تجویزی جمهوری اسلامی ایران در تعقیب کیفری آمر و عاملین ترور سردار سلیمانی می‌باشد. هدف از پژوهش حاضر بررسی صلاحیت تجویزی جمهوری اسلامی ایران جهت تعقیب و محاکمه آمر و عاملین ترور سردار سلیمانی از منظر حقوق کیفری بین‌المللی است.

روش: پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی تحلیلی است.

یافته‌ها، مطابق یافته‌های پژوهش، بر اساس اسناد بین‌المللی و به ویژه کنوانسیون راجع به جلوگیری و مجازات جرائم علیه اشخاص مورد حمایت بین‌المللی از جمله مامورین سیاسی (۱۴ دسامبر ۱۹۷۳) و عضویت و الحاق هر سه دولت درگیر در این پرونده به سند مزبور و مورد حمایت بین‌المللی بودن سردار سلیمانی مطابق مفاد این سند، عمل ارتكابی اقدامی مجرمانه محسوب و جمهوری اسلامی ایران، صلاحیت قانونی جهت تعقیب و محاکمه آمر و عاملین جنایت ارتكابی را از منظر حقوق کیفری بین‌الملل دارد.

نتیجه‌گیری: مطابق نتایج به دست آمده، دولت جمهوری اسلامی ایران بر مبنای صلاحیت واقعی (به طور مطلق) و بر مبنای صلاحیت شخصی منفی و صلاحیت جهانی (در صورت حضور مرتکبین یا استرداد آنها به کشور) صلاحیت قانونی جهت رسیدگی به این پرونده را دارد. می‌تواند توسط محاکم قضایی خود نسبت تعقیب و محاکمه مرتکبین این جنایت اقدام نماید و در صورت دسترسی به هر یک از مرتکبین از جمله با توسل به پلیس اینترپل، استرداد و ... اعمال مجازات کند.

واژگان کلیدی: ترور، صلاحیت تجویزی، صلاحیت واقعی، صلاحیت شخصی منفی، صلاحیت جهانی.

^۱ - دانشیار گروه حقوق کیفری دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

^۲ - استاد گروه حقوق کیفری دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

^۳ - دانشیار گروه حقوق کیفری دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

^۴ - دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول).

مقدمه و بیان مسئله

با در نظر گرفتن مصونیت سران دولت‌ها از تعقیب قضایی توسط محاکم خارجی و با توجه به موانع و ایراداتی که ممکن است بر صلاحیت دیوان در رسیدگی به جنایت ارتكابی در ترور سردار سلیمانی وارد شود یا با اقتضائات خاصی همراه باشد، باید به این نکته مهم نیز توجه گردد که مسئولیت اصلی و اولیه مبارزه با بی‌کیفرمانی بر عهده خود دولت‌هاست. صلاحیت محاکم ملی یک اصل بین‌الملل است که در اساسنامه دیوان نیز به صراحت به آن پرداخته شده است. مطابق اساسنامه دیوان، صلاحیت دیوان یک صلاحیت تکمیلی است و اگر دولت‌ها با اعمال مؤثر صلاحیت نسبت به جنایات در صلاحیت دیوان به تعهد خود عمل کنند، در این صورت، دیوان با شناسایی تقدم صلاحیت‌های ملی، خود عهده‌دار رسیدگی نخواهد شد. در واقع صلاحیت محاکم ملی مقدم بر صلاحیت دیوان بوده و بر آن ترجیح دارد. در بند ۶ مقدمه اساسنامه این نکته یادآوری شده که «این وظیفه هر یک از دولت‌هاست که صلاحیت کیفری خود را بر کسانی که مسئول ارتكاب جنایات بین‌المللی هستند، اعمال کنند». همچنین بند ۱۵ بیان می‌دارد، «دیوان بین‌المللی کیفری که به موجب این اساسنامه تأسیس می‌شود، مکمل محاکم کیفری ملی خواهد بود». به موجب ماده ۱ اساسنامه نیز؛ «دیوان دارای صلاحیت تکمیلی نسبت به صلاحیت کیفری ملی است». در واقع، علاوه بر مقدمه و ماده یک اساسنامه که اصل تکمیلی بودن را مطرح می‌کنند، مواد ۱۷-۱۹ اساسنامه به تشریح چارچوب عملکرد دیوان به‌عنوان «مکمل» صلاحیت ملی پرداخته است. اصل صلاحیت تکمیلی، صلاحیت کیفری ملی و بین‌المللی را در تعارض با یکدیگر قرار نمی‌دهد، بلکه در عمل منجر به برقراری نوعی ارتباط متقابل میان آنها می‌شود. اعمال این اصل، در شرایطی که دولت واجد صلاحیتی در حال تحقیق یا تعقیب باشد تصمیم‌مبته بر غیر قابل پذیرش بودن دعوا نزد دیوان را به‌دنبال دارد، مگر این که دولت در اقدامات خود حقیقتاً «نا توان» یا «بی‌میل» شناخته شود (دل‌ماس مارتی^۱، ۲۰۰۶، ۳). نتیجه اینکه، اساس و مبنای اصل تکمیلی بودن این است که اولاً؛ تعقیب جرائم بین‌المللی توسط محاکم بین‌المللی به تنهایی برای تحقق عدالت کافی نبوده و در وهله اول این حق بلکه وظیفه دولت‌هاست که به بی‌کیفری جنایتکاران بین‌المللی خاتمه دهند، ثانیاً؛ در صورتی که محاکم ملی به‌طور مناسب عمل کند، دیگر نوبت به اعمال

صلاحیت باقی نمی‌ماند. بنابراین بعد از ارتکاب یک جنایت بین‌المللی اولین اقدام در حقوق کیفری بین‌الملل، بررسی توانایی یک دولت و دومین اقدام، تمایل آن دولت در اعمال صلاحیت توسط محاکم داخلی خود است.

برای سنجش اولین اقدام، یعنی توانایی یک دولت در جلوگیری از بی‌کیفرمانی در حقوق بین‌الملل کیفری، صلاحیت آن دولت مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در پرونده‌های فراملی، صلاحیت یاد شده تنها به صلاحیت قضایی معطوف نیست بلکه دارای سه بعد تجویزی، قضایی و اجرایی است. بنابراین، برای مشخص شدن توانایی یک کشور در انجام وظیفه خود در پاسخ به جنایات بین‌المللی باید هر سه نوع صلاحیت یاد شده مورد توجه و سنجش قرار بگیرد. یعنی اولاً باید بررسی شود که آیا دولت صلاحیت تجویزی که در ابعاد داخلی به صلاحیت قانونی معروف است را دارد یا نه؟ ثانیاً باید صلاحیت قضایی آن جهت تعقیب و محاکمه مورد سنجش قرار بگیرد و ثالثاً باید اثبات شود که آن دولت از صلاحیت اجرایی یعنی قدرت و اختیار لازم برای اعمال مجازات و جلوگیری از بی‌کیفرمانی برخوردار است یا خیر؟ همان‌گونه که بیان شد، دومین اقدام، بررسی تمایل یک دولت در پیگیری و محاکمه و مجازات جنایتکاران بین‌المللی است. از منظر حقوق بین‌الملل کیفری تمایل صرفاً با اقدامات تعقیبی مشخص نمی‌شود بلکه آنچه که مهم است ارزیابی خواست واقعی آن دولت بر اعمال صلاحیت توسط محاکم داخلی خود و تمایل وی برای به مجازات رساندن مرتکبین است. در برخی از موارد ممکن است اقدامات تعقیبی یک کشور سوری باشد یا محاکمه و رسیدگی آن کشور غیرواقعی باشد یا اینکه اعمال مجازات توسط آن کشور بدین منظور باشد تا مرتکب جنایت بین‌المللی با توسل به قاعده منع محاکمه مجدد در محاکم بین‌المللی و محاکم کشورهای دیگر مجازات نشود یعنی در واقع با اعمال مجازات خفیف، هدف از محاکمه مصونیت بخشیدن برای مرتکب باشد. با توجه به اینکه؛ دولت جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به پرونده ترور سردار سلیمانی و همراهان ایشان از انگیزه‌ی مضاعفی نیز برخوردار است. چرا که سردار سلیمانی ضمن اینکه از نظامیان وفادار جمهوری اسلامی ایران و همواره در دفاع از خاک کشور و مردم در خط مقدم بوده، یک مقام عالی رتبه رسمی کشور نیز بودند که ترور وی در واقع، مصداق اعلان جنگ و تجاوز به حاکمیت کشور محسوب می‌شود. بنابراین با توجه به محرز بودن تمایل دولت جمهوری اسلامی ایران، مسئله‌ای اصلی سنجش توانایی اعمال صلاحیت تجویزی برای جلوگیری از بی‌کیفرمانی در پاسخ به جنایت ارتكابی است که منجر به شهادت سردار سلیمانی به عنوان یک مقام رسمی و عالی رتبه نظامی کشور و همراهان ایشان گردیده است.

صلاحیت تجویزی مبتنی بر ۵ اصل در حقوق کیفری بین‌الملل مطرح و با اندک تفاوت‌هایی در نظام‌های حقوقی کشورها مورد شناسایی قرار گرفته‌اند. این ۵ اصل عبارتند از، اصل سرزمینی، اصل واقعی، اصل شخصی منفی، اصل شخصی مثبت و اصل صلاحیت جهانی. هدف اصلی این مقاله بررسی شرایط لازم برای توسل به هر یک از اصول یاد شده جهت توجیه صلاحیت تجویزی ج.ا.ایران در راستای پیگیری و محاکمه آمر و عاملین ترور سردار سلیمانی از منظر حقوق کیفری بین‌الملل می‌باشد.

پیشینه و مبانی نظری تحقیق

الف) پیشینه تحقیق

برخی از مهمترین پژوهش‌های حقوقی انجام یافته در ارتباط با ترور سردار سلیمانی بدین شرح هستند:

خالقی (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان امکان‌سنجی تعقیب کیفری آمران ترور شهید سلیمانی به این نتیجه می‌رسد که؛ «زمینه‌های گسترده‌ی کیفرگریزی تروریست‌ها، به خصوص در جنایات نوپدید و دولتی، بر فراوانی ارتکاب این اقدامات تروریستی اثر گذاشته و موجبات توسعه‌ی فزاینده‌ی شیوه‌های ضد بشری آنها، در سطح منطقه‌ای و جهانی را فراهم ساخته است. دستور بی سابقه و اعلام رسمی ترور اشخاص مورد حمایت بین‌المللی، از جمله فرمانده سپاه قدس توسط رئیس دولت ایالات متحد آمریکا، مصداق جنایتی است که ناقض معاهدات، قواعد عرفی و اصول حقوقی بین‌المللی بوده و اشکال نوین آن که از سوی رؤسای سایر دول تقلیدپذیر است، صلح و ثبات جامعه جهانی را تهدید می‌کند».

منتظران و جعفری (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان ترور شهید سپهد سلیمانی از منظر قواعد حقوق بین‌الملل و حقوق بشردوستانه (با تأکید بر رسالت رسانه‌های برون مرزی) به این نتیجه می‌رسد که؛ «اقدام آمریکایی‌ها در ترور فرمانده نظامی ایران و همراهانش، در تضاد عینی با منشور ملل متحد، ناقض بدیهی‌ترین اصول و قواعد حقوق بین‌الملل از جمله اصول عدم مداخله، اصل حاکمیت دولت‌ها، اصل منع توسل به زور، اصل عدم تجاوز و اصل مصونیت نمایندگان دولت‌ها و در نهایت به عنوان جلوه‌ای از تروریسم دولتی و جنگ تجاوزکارانه علیه دو کشور ایران و عراق قلمداد می‌شود. در این میان، نهادهای حقوق بشری، سازمان ملل،

کوشا و همکاران / صلاحیت تجویزی ج.ا.ایران جهت تعقیب و محاکمه آمر و عاملین ترور سردار سلیمانی / ۵
اندیشکده‌های بین‌المللی و معتبر جهانی نیز اقدام دولت آمریکا را تجاوز کارانه، جنایت آشکار و نقض
جدی حقوق بین‌الملل دانسته‌اند.

نژندی منش (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان امکان‌سنجی توصیف ترور سردار سلیمانی و دیگران به مثابه
جنایت علیه بشریت به این نتیجه می‌رسند که؛ «در صورتی که بتوانیم اثبات کنیم تحریم‌های نامشروع و
ممتد ایالات متحده آمریکا علیه مردم ایران به مثابه حمله (یا تعرض) گسترده یا برنامه‌ریزی شده علیه جمعیت
غیرنظامی (از جمله بیماران) می‌باشد که بر طبق سیاست دولت آمریکا یا برای پیشبرد این سیاست اعمال
می‌گردد، و ترور سردار سلیمانی و دیگر اتباع ایرانی به‌عنوان بخشی از این تعرض، گسترده یا برنامه‌ریزی
شده می‌تواند جنایت علیه بشریت توصیف شود».

فضائلی (۱۳۹۹)، در پژوهشی تحت عنوان ترور سردار سلیمانی از منظر حقوق بین‌الملل توسل به زور به این
نتیجه می‌رسند که؛ «اقدام دولت آمریکا فاقد هرگونه وجهت حقوقی بوده و مصداق مسلم توسل به زور
غیرقانونی مغایر منشور ملل متحد محسوب می‌شود، همچنین ناقض توافقات دوجانبه آمریکا با عراق به ویژه
موافقت‌نامه امنیتی بوده و مطابق مفاد اعلامیه تعریف تجاوز و اساسنامه رم، مصداق عمل تجاوز شناخته
می‌شود و موجبات مسئولیت بین‌المللی دولت آمریکا و مسئولیت کیفری عوامل دخیل در ارتکاب این اقدام
نامشروع را فراهم می‌نماید».

رشیدی (۱۳۹۹)، در پژوهشی تحت عنوان امکان‌سنجی طرح دعوا در محاکم قضایی بین‌المللی و داخلی در
موضوع ترور سردار سلیمانی و همراهان به این نتیجه می‌رسند که؛ «مؤثرترین سازوکارهای حقوقی موجود
طرح دعوا در دیوان بین‌المللی دادگستری به‌موجب «کنوانسیون راجع به جلوگیری و مجازات جرایم علیه
اشخاص مورد حمایت بین‌المللی، از جمله مأمورین سیاسی» مورخ ۱۹۷۳ و نیز پیگیری ایجاد یک دادگاه
بین‌المللی مختلط، به‌ویژه از طریق انعقاد توافق‌نامه با مجمع عمومی سازمان ملل یا سازمان همکاری اسلامی،
است. هرچند این موارد نیازمند بررسی تبعات سیاسی و حقوقی هر روش است و قبل از آن اراده سیاسی
مقامات عراقی در همکاری با سازمان‌های بین‌المللی شرط اصلی هر گونه اقدام است».

قاسمی و ستایش‌پور (۱۳۹۹)، در پژوهشی تحت عنوان مسئولیت بین‌المللی آمریکا در شهادت سردار
سلیمانی به این نتیجه می‌رسند که؛ شهادت سردار سلیمانی و همراهان ایشان به تصریح رییس جمهور ایالات

متحدہ آمریکا، تحت دستور مستقیم وی بوده است. از این رو طبق ماده (۴) مجموعه مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین الملل در زمینه مسئولیت بین المللی دولت‌ها ناشی از عمل متخلفانه بین المللی، به آمریکا منتسب است و نقض تعهدات معاهداتی و عرفی کشور در زمینه حقوق بین الملل بشر دانسته می‌شود. بدین ترتیب، هر دو عنصر انتساب و نقض تعهد بین المللی محقق شده و طبق مواد (۱) و (۲) مجموعه مواد ۲۰۰۱، آمریکا مسئولیت بین المللی دارد. آمریکا به عنوان کشور متخلف باید تضمین معتبر و متقاعدکننده به عدم تکرار بدهد (ماده ۳۰ (ب) مجموعه مواد ۲۰۰۱)، غرامت پردازد و جلب رضایت صورت گیرد (مواد ۳۶ و ۳۷ مجموعه مواد ۲۰۰۱). جلب رضایت و تضمین عدم تکرار باید به طور معتبر و واقعی (غیر صوری) باشد و در این مورد، این امر با خروج کامل نیروهای آمریکا از منطقه و به ویژه عراق محقق می‌شود.

با توجه به مطالعات انجام یافته، اغلب حوزه‌های بحث شده پیرامون مبانی مغایرت ترور با اسناد بین المللی و امکان سنجی تعقیب کیفری بر اساس مبانی یاد شده است. بنابراین، در خصوص صلاحیت تجویزی جمهوری اسلامی ایران در جهت تعقیب و محاکمه آمر و عاملین ترور سردار سلیمانی از منظر حقوق کیفری بین المللی مطالعه‌ای به ثبت نرسیده است. از همین رو پژوهش حاضر جدید بوده و با توجه به یافته‌هایی که در خصوص صلاحیت تجویزی جمهوری اسلامی از منظر صلاحیت‌های سرزمینی، شخصی، واقعی و جهانی دارد با نوآوری همراه می‌باشد.

(ب) مبانی نظری

قبل از شروع مباحث و امکان سنجی صلاحیت محاکم داخلی در رسیدگی به جنایت ارتكابی در این پرونده لازم است ابتدا مغایرت این جنایت با اسناد بین المللی ارزیابی شود. با بررسی‌های صورت گرفته، مشخص گردید که ترور سردار سلیمانی و همراهان ایشان برابر اسناد بین المللی ذیل، اقدامی علیه حقوق بشر و جنایتکارانه است.

(۱) برابر اسناد بین المللی و منطقه‌ای و قوانین اساسی اغلب کشورهای دنیا، حق حیات به عنوان عالی‌ترین و بنیادی‌ترین حق بشری بیان شده که سلب عمدی آن و در نتیجه محروم کردن انسان‌ها از این حق، بزرگ‌ترین جنایت علیه حقوق بشر محسوب شده است. حق حیات در تمام معاهدات اصلی حقوق بشر ذکر شده است و همه این معاهدات از حمایت مشابهی برخوردار هستند، هر چند از عبارات و محتوی متفاوتی برای

بیان حق حیات استفاده کرده‌اند. مثلاً در برخی از موارد از حق بر زندگی و در برخی از آنها از حق بر زنده ماندن و نظایر آنها استفاده کرده‌اند.

۲) جنایت ارتكابی مغایر با منشور سازمان ملل و نقض اصل بنیادین منع توسل به زور است چرا که اولاً؛ مطابق بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد؛ «کلیه اعضاء اختلافات بین‌المللی خود را به وسایل مسالمت‌آمیز به طریقی که صلح و امنیت بین‌المللی و عدالت به خطر نیافتند، حل خواهند کرد». ترور سردار سلیمانی اقدامی جنایتکارانه بوده و درست در نقطه مقابل حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی که یکی از اهداف تشکیل سازمان ملل نیز محسوب شده می‌باشد و بدیهی است که چنین اقدام هم صلح و امنیت بین‌المللی و هم عدالت را نقض کرده است. ثانیاً؛ در بند ۴ ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد مقرر گردیده است، «کلیه اعضاء در روابط بین‌المللی خود از تهدید به زور یا استفاده از آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری یا از هر روش دیگری که با مقاصد ملل متحد مابینت داشته باشد خودداری خواهند نمود». با توجه به این بند نیز، هدف قرار دادن سردار سلیمانی که از مقامات رسمی جمهوری اسلامی (یک کشور دارای استقلال سیاسی و عضو سازمان ملل متحد) بوده مابین با مقاصد ملل متحد و مغایر با منع توسل به زور می‌باشد.

۳) ترور ارتكابی مغایر با مفاد کنوانسیون‌های ۱۹۶۱ وین و ۱۹۶۹ مزایا و مصونیت‌های مأموریت‌های ویژه (مخصوص) می‌باشد چرا که سردار سلیمانی برابر بند الف ماده ۱ کنوانسیون ۱۹۶۱ از طرف کشور ایران مأمور انجام وظیفه در این سمت بوده و همچنین برابر بند الف ماده ۱ کنوانسیون ۱۹۶۹ تحت مأموریت ویژه با کسب موافقت دولت عراق و به منظور مقابله با جنایات ارتكابی داعش (دولت اسلامی عراق و شام) اعزام شده بودند. بنابراین، مطابق این کنوانسیون‌های دارای مصونیت بوده و هرگونه تعرض به وی نقض مفاد این کنوانسیون‌ها محسوب می‌شود.

۴) جنایت ارتكابی از مصادیق بارز ترور بوده که مستند به قطعنامه‌های مبارزه با تروریسم مصوب شورای امنیت سازمان ملل متحد، به‌عنوان اقدامی جنایتکارانه از آن نام برده شده و دولت‌ها موظف شده‌اند با همکاری کمیته‌ی ضد تروریسم شورای امنیت، اقدامات و همکاری‌های لازم را برای جرم‌انگاری و مبارزه با این جرم انجام دهند. قطعنامه‌ی شماره ۱۳۷۳ (۲۰۰۱) از جمله مهمترین این قطعنامه‌ها محسوب می‌شوند.

۵) جنایت ارتكابی مغایر و ناقض کنوانسیون ۱۹۷۳ راجع به جلوگیری و مجازات جرائم علیه اشخاص مورد حمایت بین‌المللی منجمله مأمورین سیاسی است. با توجه به مفاد این کنوانسیون و به ویژه عضویت هر سه

کشور ایران (کشور محل اقامت برخی از بزه‌دیدگان)، عراق (محل ارتکاب و کشور محل اقامت برخی از بزه‌دیدگان و برخی از مرتکبان) و امریکا (کشور محل اقامت مرتکبین جنایت) ترور سردار سلیمانی و همراهانشان نقض تعهداتی است که کشورها با الحاق و امضای این کنوانسیون آن را پذیرفته‌اند. با در نظر گرفتن مواد یاد شده مشخص است که اولاً؛ سردار سلیمانی از جمله مقامات و شخصیت‌های رسمی دولت جمهوری اسلامی بوده که به دعوت رسمی دولت عراق و در راستای مبارزه با اقدامات تروریستی به این کشور وارد شده بود، ثانیاً؛ جرم ارتكابی علیه وی و همراهانشان از جمله جرایمی است که به صراحت کشورهای عضو موظف به همکاری در راستای جلوگیری از ارتكاب آن شده‌اند، ثالثاً؛ هیچ استثنایی برای جلوگیری از ارتكاب چنین جنایاتی در این سند قید نشده و هیچ شخص و دولتی نیز از آن استثناء نگردیده است».

ارزیابی صلاحیت تجویزی یا قانونی

با توجه به فراملی بودن جنایت ارتكابی در پرونده ترور سردار سلیمانی که در خاک یک کشور بیگانه و توسط اتباع کشور بیگانه دیگر ارتكاب یافته، مهمترین مسئله‌ای که برای تبیین توانایی دولت جمهوری اسلامی ایران در جلوگیری از بی کیفرمانی آمر و عاملین ترور باید مورد بررسی قرار بگیرد، صلاحیت قانونی یا تجویزی است. منظور از صلاحیت تجویزی، توانایی و اختیار یک کشور در تنظیم قوانین و مقررات برای قلمروی سرزمینی خود است. در نظام حقوقی ایران، ترور، هر چند به صورت خاص جرم‌انگاری نشده است، اما بدلیل قرابت معنایی با برخی از واژگان از جمله جنایات عمدی، محاکم قضایی در رسیدگی به پرونده‌های تروریستی، نسبت به تعقیب، محاکمه و مجازات مرتکبین، در عمل با مشکلی مواجه نیستند. نگاهی به آرای صادره از محاکم قضایی داخلی حاکی از آن است که در رسیدگی به پرونده‌های ترور، عمل ارتكابی با عناوین مجرمانه‌ای نظیر جنایت عمدی، محاربه و سوء قصد مطابقت داده شده و مورد رسیدگی قرار گرفته است.

بنابراین هر چند در قوانین و مقررات داخلی عنوان مجرمانه‌ای به صورت خاص با نام ترور در نظام کیفری ایران پیش‌بینی نشده است، اما این به معنای عدم تنظیم مقررات قانونی برای جرم‌انگاری و مجازات مرتکبین اقدامات تروریستی نیست چرا که در عمل با توجه به جرم‌انگاری جنایات عمدی، محاربه و ... مقنن ایران نیازی ندیده تا نسبت به جرم‌انگاری ترور به صورت خاص اقدام نماید. البته، این رویه مقنن قابل

انتقاد است چرا که در طی سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، به دفعات اشخاص و مقامات آماج حملات تروریستی به صورت جمعی و فردی قرار گرفته‌اند که از جدیدترین آنها می‌توان به ترور دانشمندان هسته‌ای و ترور سردار سلیمانی و همراهانشان اشاره کرد. قبل از اینها نیز ترور مقامات و اشخاص به‌ویژه در اوایل انقلاب بسیار متعدد بود، بطوری که می‌توان جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان یکی از قربانیان همیشگی این عمل غیرانسانی و خشن محسوب کرد. بنابراین با وجود ضرورت جرم‌انگاری چنین رفتاری، جای بسی تعجب است که چرا مقنن تاکنون نسبت به تعریف جرم ترور به صورت مستقل در قوانین عام یا خاص جزایی اقدام ننموده است. البته در این خصوص احتمالاتی زیادی در مورد عدم جرم‌انگاری مستقل ترور به ذهن متبادر می‌شود. یک احتمال این است که ترور با برخی از عناوین مجرمانه قرابت معنایی دارد که می‌توان با توسل به آنها مرتکبین چنین اعمالی را مورد تعقیب، محاکمه قرار داد. احتمال دیگر این است که تاکنون، در مجازات مرتکبین چنین رفتارهایی در سیاست جنایی قضایی کشور با استفاده از مجازات سایر عناوین مجرمانه مشکلی بوجود نیامده است. احتمال سوم، سهل‌انگاری و بی‌توجهی متولیان تقنین از عواقب عدم جرم‌انگاری چنین رفتارهایی می‌باشد که با توجه به ارتکاب مستمر آن و قربانی شدن کشور به صورت دائمی از این رفتارهای مجرمانه این نوع از سهل‌انگاری و بی‌توجهی‌ها غیرقابل پذیرش است. احتمال آخر که شاید بدبینانه باشد، شبهه تعددی بودن رفتار متولیان امر قانون‌گذاری است که با توجه به تغییرات متوالی آنها و تعدد متولیان بعید به نظر می‌رسد. در هر صورت با وجود عدم جرم‌انگاری رفتار مجرمانه‌ای تحت عنوان ترور در مجموعه قوانین کیفری در ایران، این رفتار بی‌ارتباط با حقوق کیفری ایران نبوده و تحت عناوین مجرمانه دیگر نظیر جنایات عمدی، محاربه، بغی، سوء قصد و ... قابلیت تعقیب و اعمال مجازات دارد که در طی همه این سال‌ها نیز با عنایت به این عناوین با مرتکبین برخورد شده است. نتیجه اینکه، دولت جمهوری اسلامی ایران، صلاحیت قانونی (تجویزی) برای تعقیب و محاکمه مرتکبین ترور از جمله ترور سردار سلیمانی و همراهان ایشان را دارد. چرا که با توسل به قوانین و مقررات امکان تعقیب، محاکمه و اجرای مجازات علیه مرتکبین این جنایات غیرانسانی فراهم می‌باشد.

برای بررسی صلاحیت تجویزی در حقوق بین‌الملل پنج اصل را مورد ارزیابی قرار می‌دهند. این پنج اصل عبارتند از، ۱- اصل تابعیت (شخصی)، ۲- اصل سرزمین‌گرایی ذهنی، ۳- اصل سرزمین‌گرایی عینی، ۴- اصل حمایتی (واقعی) و ۵- اصل صلاحیت جهانی (استارک^۱، ۱۹۸۹، ۳۵). از بین این پنج اصل؛ اصل

اولیه و کلیدی، سرزمینی بودن اعم از ذهنی و عینی است یعنی با وجود این اصل نوبت به سایر اصول نمی‌رسد. در واقع اصول شخصی (مبتنی بر تابعیت)، واقعی و جهانی به عنوان مکمل اصل صلاحیت سرزمینی هستند که در آنها حداقل یک عامل خارجی وجود دارد به همین دلیل؛ به صلاحیت سرزمینی درون مرزی و به صلاحیت‌های واقعی، شخصی و جهانی برون مرزی گفته می‌شود. در ادامه ضمن بررسی اصول یاد شده، توانایی صلاحیت محاکم داخلی جمهوری اسلامی ایران از منظر حقوق داخلی و مقررات بین‌المللی در رسیدگی به جنایات ارتكابی آمر و عاملین ترور سردار سلیمانی و همراهان ایشان مورد ارزیابی و سنجش قرار می‌گیرد.

الف) اعمال صلاحیت سرزمینی

قدیمی‌ترین اصل در تعیین صلاحیت کیفری دولت‌ها، صلاحیت سرزمینی یا درون مرزی است و به موجب آن، صلاحیت دولت برای رسیدگی به جرم با معیار محل وقوع جرم تعیین می‌گردد، در واقع؛ صلاحیت سرزمینی بر اصل تمامیت ارضی استوار است یعنی اقتدار یک دولت برای اعمال صلاحیت بر اعمالی که در قلمرو حاکمیت زمینی، هوایی و دریایی ارتكاب یافته‌اند. "از دقت در تاریخ حقوق کیفری ملاحظه می‌شود که همواره بنیادی‌ترین اصل در عرصه حقوق جزای بین‌الملل، اصل صلاحیت سرزمینی بوده است؛ اصلی که به نوبه خود هر سه جلوه حاکمیتی صلاحیت تقنینی (حق وضع و تصویب قوانین)، صلاحیت قضایی (حق تفسیر و اعمال قوانین) و صلاحیت اجرایی (حق اجرای قوانین و دستورات دادگاه‌ها) را در بر دارد" (کیتیچساره^۱، ۲۰۰۵، ۳۹-۳۸). با عنایت به اینکه؛ با پذیرش این اصل بررسی دلایل، امارات و قرائن موجود در مورد هر جرم با سهولت بیشتری انجام می‌گیرد، هدف عبرت‌انگیز بودن کیفر بهتر تأمین می‌گردد و اقتدار و حاکمیت دولت نیز حفظ می‌شود لذا در تمامی کشورها به عنوان اصل اولیه و مقدم نسبت به سایر صلاحیت‌ها مطرح است و برای تعیین صلاحیت کیفری، ابتدا به سراغ این صلاحیت رفته و در صورت منتفی بودن آن، بحث در مورد سایر صلاحیت‌ها مطرح می‌گردد در واقع همان‌گونه که بیان شد، اصل بر صلاحیت سرزمینی بوده و سایر صلاحیت‌ها تکمیل‌کننده آن و جنبه استثنایی دارند. این اصل یک اصل اساسی حقوق بین‌الملل است و اغلب به عنوان دکترین قلمروی ذهنی، توانایی دولت‌های مستقل برای اعمال صلاحیت قضایی بر اموال، اشخاص، اعمال یا رویدادها شناخته می‌شود" (استارک^۲، ۱۹۸۹، ۳۵). صلح و ستفالیام مفهوم

^۱ kittichaisaree

^۲ Starke

کوشا و همکاران / صلاحیت تجویزی ج.ا.ایران جهت تعقیب و محاکمه آمر و عاملین ترور سردار سلیمانی / ۱۱
حاکمیت دولت ملی و به طور خاص، حق دولت بر تمامیت ارضی خود را تقویت کرد (باومن^۱، ۱۹۹۶، ۱۹۳۵) و این اصل را مورد شناسایی قرار داد که هر دولتی در قلمروی ارضی خود دارای اقتدار کامل بوده و هیچ دولتی نمی تواند متعرض اعمال صلاحیت آن دولت گردد.

در مورد انواع صلاحیت سرزمینی اختلاف نظر وجود دارد. برخی معتقدند، اصل صلاحیت سرزمینی دو نوع است، نوع اول، اصل صلاحیت سرزمینی شخصی یا موردی، نوع دوم، اصل صلاحیت عینی یا نوعی (نظریه عناصر تشکیل دهنده و نظریه آثار). برخی دیگر معتقد به نوع سوم از صلاحیت سرزمینی تحت عنوان اصل صلاحیت سرزمینی شناور نیز هستند (میرمحمدصادقی، ۱۳۷۶: ۱۴۵-۱۴۲). بنابراین اصل صلاحیت سرزمینی به دو صورت ثابت (نوع اول و دوم) و شناور (نوع سوم) قابل تصور است. در تبیین هر یک از این انواع می توان گفت، مطابق اصل صلاحیت سرزمینی شخصی یا موردی، دولتی صلاحیت رسیدگی دارد که تمام یا بخشی از جرم در قلمروی آن ارتکاب یافته باشد. مطابق اصل صلاحیت سرزمینی عینی یا نوعی، دولتی صلاحیت رسیدگی دارد که نتیجه یا آثار سوء آن در محدوده آن رخ دهد. مطابق اصل صلاحیت سرزمینی شناور که در ارتباط با کشتی ها و هواپیماها مطرح گردیده، رسیدگی به جرایم ارتكابی در کشتی ها و هواپیماها با دولت صاحب پرچم است.

مقنن جمهوری اسلامی ایران، مواد ۳ و ۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ را به صلاحیت سرزمینی اختصاص داده است. همانطور که از منطوق و مفهوم ماده ۳ مشخص است این اصل دارای دو خصوصیت می باشد:

اول، خصوصیت و جنبه مثبت، یعنی اینکه کلیه اشخاص داخل کشور را در بر می گیرد.

دوم، خصوصیت و جنبه منفی، یعنی اینکه شامل اشخاص خارج از قلمرو حاکمیت نمی شود.

با عنایت به جنبه منفی صلاحیت سرزمینی و مطلق نبودن صلاحیت سرزمینی، صلاحیت های دیگر یعنی صلاحیت شخصی، واقعی و جهانی مطرح و تکمیل کننده آن محسوب می گردند. منظور از استثنائات حاکم بر اصل صلاحیت سرزمینی در قسمت اخیر ماده ۳، مواردی نظیر؛ ۱- مصونیت دیپلماتیک و ۲- مصونیت

ناشی از ایفای وظایف نمایندگی ۳- جرایم ارتكابی در كشتی و هواپیماهای خارجی در قلمروی ایران می‌باشد.

ماده ۴ ق.م.ا نیز بیان‌کننده اصل صلاحیت سرزمینی اضافی است با این توضیح که قانونگذار ایران در مقام افزایش صلاحیت دادگاه‌های داخلی، با الهام از تئوری‌های جدید، محل وقوع عنصر مادی و محل حصول نتیجه هر دو را ملاک برای صلاحیت محاکم داخلی بشمار آورده است؛ در نتیجه با احراز وجود یکی از دو شرط زیر جرم در قلمرو حاکمیت ایران «واقع شده» محسوب می‌شود: اول، هرگاه قسمتی از جرم در ایران واقع و نتیجه آن در خارج از قلمرو حاکمیت ایران حاصل شود. دوم، هرگاه قسمتی از جرم در خارج واقع و نتیجه آن در ایران حاصل شود.

با این مختصر در مورد صلاحیت سرزمینی، در ادامه بعد از شرح مختصری در مورد محل ارتكاب جنایت به تحلیل صلاحیت ایران بر مبنای صلاحیت سرزمینی در پرونده ترور شهید سلیمانی می‌پردازیم. محل وقوع جنایت، فرودگاه بین‌المللی بغداد در کشور عراق است با این توضیح که هواپیمای [حامل شهید حاج قاسم سلیمانی] از مبدأ دمشق، پایتخت سوریه روز جمعه سوم ژانویه ۲۰۲۰ (۱۳ دی ماه ۱۳۹۸) پس از چند ساعت تأخیر سرانجام در فرودگاه بغداد به زمین نشست. زمانی که هواپیمای مذکور در حال حرکت بر روی باند فرودگاه به سمت بخش محصور فرودگاه بود، یکی از نیروهای تیم عملیاتی کردستان عراق در لباس خدمه فرودگاه هواپیما را به محل مورد نظر هدایت می‌کند. در ادامه طی هماهنگی که مشخصاً هدفمند بودن جنایت ارتكابی را نشان می‌دهد، سردار سلیمانی (توسط کارکنان تخلیه بار) شناسایی می‌شوند و بعد از اطمینان، عملیات ترور آغاز و به سه پهبادی که بر فراز فرودگاه در حال گشت‌زنی بودند و تک تیراندازانی که قبلاً در اطراف فرودگاه در کمین بودند و سایر تیم‌ها مستقر شروع عملیات مجرمانه اطلاع داده می‌شود. سردار سلیمانی به همراه ابومهدی المهندس معاون فرمانده نیروهای حشد الشعبی و سایر همراهان سوار بر دو خودرو به سمت منطقه ترور حرکت می‌کنند، در همین حین، دو موشک هل فایر توسط پهبادها به سمت خودروها شلیک می‌شود به خودروی حامل سردار سلیمانی برخورد می‌کند. راننده خودروی دوم، سرعت خود را افزایش می‌دهد و حدود ۹۰ متر از خودروی اول فاصله می‌گیرد اما قبل از اینکه توسط تک تیراندازها متوقف شود، سومین موشک توسط پهبادها به آن اصابت می‌کند. در نتیجه این اقدام جنایتکارانه (که رئیس جمهور امریکا طی توثیقی و وزارت دفاع ایالات متحده امریکا طی بیانیه‌ای

کوشا و همکاران / صلاحیت تجویزی ج.ا.ایران جهت تعقیب و محاکمه آمر و عاملین ترور سردار سلیمانی / ۱۳
صراحتاً اعلام می‌دارند که دستور حمله هوایی توسط رئیس جمهور امریکا صادره شده (سردار سلیمانی،
ابومهدی المهندس و همراهان آنها به شهادت می‌رسند.

با عنایت به این شرح، مشخص می‌شود که محل وقوع جنایت، کشور عراق بوده و در قلمروی سرزمینی
آن کشور ارتکاب یافته است. بنابراین، به دلیل اینکه هیچ یک از دو شرط احراز صلاحیت سرزمینی اصلی
و هیچ جزئی از عنصر مادی و نتیجه جرم ارتكابی برای اعمال صلاحیت سرزمینی اضافی توسط جمهوری
اسلامی ایران فراهم نیست. در نتیجه؛ قوانین ایران نمی‌تواند بر مبنای اصل صلاحیت سرزمینی اعم از اصلی
و اضافی برای رسیدگی به این جنایت، مورد استناد قرار بگیرد. در مقابل، کشور عراق می‌تواند با توسل به
این اصل، اقدام به اعمال صلاحیت نموده و منطبق با آن، توسط محاکم قضایی خود نسبت به تعقیب و
پیگیری جنایات ارتكابی اقدام نماید. زیر بخش دوم قانون مجازات کشور عراق مصوب ۱۳۶۹ به اعمال
قانون در مکان اختصاص یافته که مشتمل بر سه بند (بندهای ۶، ۷ و ۸) صلاحیت سرزمینی این کشور را در
رسیدگی به جرایم ارتكابی بیان می‌کند. بدین ترتیب که بند ۶ در ارتباط با قلمروی زمینی و بندهای ۷ و ۸
در مورد قلمروی هوایی و آبی می‌باشد. مستفاد از بند ۶؛ در صورتی که یک عمل مجرمانه در عراق انجام
شود، یا نتیجه آن در این کشور محقق شود یا اینکه قرار است محقق شود، در هر شرایطی قانون این کشور
بر همه طرفین جرم که تمام یا بخشی از آن جرم را مرتکب شده‌اند اعمال می‌شود حتی اگر جزئی از آن در
خارج از این کشور ارتكاب یافته باشد، اعم از اینکه مباشر اصلی یا معاون جرم باشد. و مستفاد از بند ۷؛
قوانین این کشور در صورت ارتكاب جرم در حریم‌های هوایی و ساحلی لازم‌الاجرا است. در مورد هواپیماها
و کشتی‌های خارجی نیز در صورتی که ارتكاب جرم در آنها بر امنیت یا منافع ارتش تاثیر بگذارد، قوانین
عراق حاکمیت خواهد داشت.

با عنایت به مستندات یاد شده، اقدام دولت امریکا، هم نقض قلمروی سرزمینی و هم نقض قلمروی
هوایی دولت عراق بوده و این کشور می‌تواند با توسل به اصل صلاحیت سرزمینی و همچنین با استناد به
قطعنامه تعریف تجاوز مصوب ۱۹۷۴ مجمع عمومی ملل متحد نسبت به اعمال قوانین خود در تعقیب،
محاکمه و مجازات مرتکبین این ترور، اعم از آمرین، مباشرین، شرکا و معاونین و کلیه اشخاصی که به
نحوی در این جنایت نقش داشته‌اند، اقدام نماید.

بحثی که باقی می‌ماند و ممکن است شبهاتی در خصوص آن مطرح شود، توافقنامه‌ای است که بین دولت عراق با چند دولت دیگر از جمله امریکا برای حضور نظامی در کشور عراق منعقد شده است. شاید گفته شود که دولت امریکا به همراه چند کشور دیگر در چارچوب توافقنامه ۲۰۰۹ در کشور عراق حضور داشته و مرتکب نقض حاکمیت نشده است. در پاسخ باید عنوان داشت؛ مستند به مفاد این توافق‌نامه، موضوع و هدف از درخواست حضور این کشورها؛ حمایت نظامی از کشور عراق در راستای مبارزه داعش بوده است در حالی که در جنایت منجر به شهادت سردار سلیمانی و ابومهدی المهندس، نه حمایت نظامی کشور عراق مطرح بوده و نه اهداف، از گروه‌های تروریستی داعش محسوب می‌شدند. بالعکس، اشخاصی که به شهادت رسیده‌اند، به صورت رسمی از طرف دولت عراق در جهت مبارزه با داعش در این کشور حضور داشته و به اذعان دولت مردان، مردم و سایر نهادهای حاکمیتی عراق نقش بی‌بدیلی را در پیروزی این کشور بر داعش و آزاد سازی آن از دست این گروه تکفیری بر عهده داشته‌اند. علاوه بر این، بر مبنای همین توافق‌نامه، به صراحت دولت امریکا، از مورد استفاده قرار دادن قلمروی هوایی عراق جهت حمله به کشور ثالث منع شده است. بنابراین دولت امریکا مرتکب تجاوز شده و نمی‌تواند با توسل به توافقی که با دولت عراق داشته، خود را از این اقدام تجاوز کارانه مبری کند. همانگونه که بیان شد، در حقوق بین‌الملل، علاوه بر این اصل، اصول دیگری نیز به عنوان مکمل جهت اعمال صلاحیت محاکم قضایی دولت‌ها پیش‌بینی شده و در اغلب نظام‌های حقوقی نیز برای توسعه صلاحیت، در کنار صلاحیت سرزمینی، صلاحیت‌های دیگری بیان شده است که در ادامه با محوریت تبیین و بررسی هر یک از این صلاحیت‌ها در پرونده شهید سلیمانی به مطالعه آنها پرداخته می‌شود.

ب) اعمال صلاحیت واقعی

خصوصیات منحصر به فرد اصل صلاحیت سرزمینی (کاسسه^۱، ۲۰۰۸، ۳۳۶) باعث نشده است که دولت‌ها در قبال جرایمی که در خارج از قلمرو آنها واقع می‌شده و امنیت آنها را به مخاطره می‌انداخته خلع سلاح شوند. بر عکس تاریخ حقوق کیفری نشان می‌دهد که کشورهای مختلف همواره در برابر جرائمی که منافع اساسی و حیاتی آنها را به مخاطره می‌انداخته، حتی اگر این جرائم در خارج از قلمرو حاکمیت آنها و توسط بیگانگان هم واقع می‌شد، واکنش نشان می‌داده‌اند (رینگرت^۲، ۲۰۰۸، ۹۷-۹۶). بر پایه چنین تفکراتی است

^۱ Cassese

^۲ Ryngaert

که برای حمایت از این منافع اساسی و حیاتی، اصل صلاحیت واقعی بوجود آمده است. این صلاحیت مبنای تقنینی نیز در حقوق کیفری بنی‌المللی دارد به‌عنوان نمونه در ماده ۴ قطعنامه موسسه حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۳۱ چنین مقرر شده است، «هر کشوری حق دارد جرائم زیر را که بیگانگان خارج از سرزمین آن مرتکب شوند مجازات نماید، الف) هر عملی که علیه امنیت آن صورت گیرد. ب) جعل پول رایج، مهر و اسناد و نشان رسمی آن دولت؛ این قاعده قابل اعمال است و حتی وقتی که اعمال مورد نظر به‌وسیله قانون کیفری دولتی که جرم در آن واقع شده قابل مجازات نباشد» (سورسنس^۱، ۱۹۶۸، ۳۶۳-۳۶۲). اصل صلاحیت واقعی به معنی توسعه صلاحیت تقنینی و قضایی یک کشور نسبت به جرائمی است که در خارج از قلمرو حاکمیت آن کشور واقع شده و به منافع اساسی و حیاتی آن کشور صدمه وارد می‌کند (پوربافرانی، ۱۳۹۲، ۱۲۱). به مانند همه کشورهای دنیا، در نظام حقوقی ایران نیز اعمال صلاحیت مبتنی بر صلاحیت واقعی به صراحت مورد پذیرش قرار گرفته و مقنن ماده (۵) ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ را به تبیین این اصل و مصادیق آن اختصاص داده است. جرایم موضوع این اصل همان‌طور که از بندهای «الف» تا «ث» مشخص است، عمدتاً جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی کشور است. که ضرر و صدمه مستقیم آن متوجه امنیت و منافع عمومی است. بنابراین؛ مطابق این ماده، در صلاحیت واقعی هر چند جرم ارتكابی در خارج از قلمرو حاکمیت کشور واقع شده، ولی بدلیل اینکه به منافع اساسی و حیاتی کشور لطمه زده، مرتکبین آن باید طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ Sorensen

^۲ ماده ۵ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲: «هر شخص ایرانی یا غیرایرانی که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب یکی از جرائم زیر یا جرائم مقرر در قوانین خاص گردد، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌شود و هرگاه رسیدگی به این جرائم در خارج از ایران به‌صورت حکم محکومیت و اجرای آن منتهی شود، دادگاه ایران در تعیین مجازات‌های تعزیری، میزان محکومیت اجراء شده را محاسبه می‌کند: الف- اقدام علیه نظام، امنیت داخلی یا خارجی، تمامیت ارضی یا استقلال جمهوری اسلامی ایران. ب- جعل مهر، امضاء، حکم، فرمان یا دستخط مقام رهبری یا استفاده از آن. پ- جعل مهر، امضاء، حکم، فرمان یا دستخط رسمی رئیس‌جمهور، رئیس قوه قضائیه، رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، رئیس مجلس خبرگان، رئیس دیوان عالی کشور، دادستان کل کشور، اعضای شورای نگهبان، رئیس و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، وزرا یا معاونان رئیس‌جمهور یا استفاده از آنها. ت- جعل آراء مراجع قضائی یا اجرائیه‌های صادره از این مراجع یا سایر مراجع قانونی و یا استفاده از آنها. ث- جعل اسکناس رایج یا اسناد تعهدآور بانکی ایران و همچنین جعل اسناد خزانه و اوراق مشارکت صادرشده یا تضمین شده از طرف دولت یا تهیه یا ترویج سکه قلب در مورد مسکوکات رایج داخل.»

مقنن برای اعمال صلاحیت شخصی، صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی علیه و صلاحیت جهانی شرایط و محدودیت‌هایی نظیر مهم بودن جرم ارتكابی، مجرمیت متقابل (جرم بودن عمل هم در کشور محل وقوع و هم در کشور اعمال‌کننده صلاحیت)، عدم رسیدگی قبلی و شرط حضور متهم در نظر گرفته است. این در حالی است که برای اعمال صلاحیت واقعی هیچ کدام از این شرایط و محدودیت‌ها پیش‌بینی نشده است. مطابق آنچه که در ماده ۵ ق.م.ا. ۱۳۹۲ مقرر گردیده برای اعمال صلاحیت واقعی دو شرط ذیل توسط مقنن پیش‌بینی شده است، شرط اول، جرم ارتكابی باید از جمله جرایم موضوع بندهای الف تا ث ماده ۵ باشد. شرط دوم، جرم ارتكابی در خارج از قلمروی سرزمینی ایران ارتكاب یافته باشد.

در قانون مجازات اسلامی سابق (۱۳۷۰)، مقنن شرط حضور مجرم در ایران را برای اعمال صلاحیت واقعی در نظر گرفته بود. اما، در راستای توجه به مبانی این قاعده و نیز همگام با حقوق سایر کشورها، مقنن در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ این محدودیت را برطرف کرده است، لذا با این پیش‌بینی امکان محاکمه غیابی مرتکبین ترور سردار سلیمانی و همراهانشان فراهم بوده و می‌توان مراحل مختلف دادرسی را انجام داده و در جهت اجرای احکام صادره اقدامات لازم را از طریق مبادی نظیر پلیس بین‌الملل در جهت دستگیری محکومین یا از طریق استرداد یا انتقال دادن آنها به طریق دیگر به ایران بعمل آورد.

سردار سلیمانی از جمله مقامات عالی رتبه نظامی در جمهوری اسلامی ایران بوده که توسط عالی‌ترین مقام سیاسی این کشور (رهبر) به سمت فرماندهی نیروی مقاومت قدس منصوب شده بود. با توجه به ماموریت‌های این نیرو که اغلب برون‌مرزی و در جهت حفظ و برقراری امنیت داخلی و خارجی می‌باشند، طبیعی است هرگونه اقدام علیه فرمانده این نیرو مغایر با منافع اساسی و حیاتی کشور بوده و در واقع جرمی علیه نظام جمهوری اسلامی، امنیت داخلی و خارجی و تمامیت ارضی یا استقلال جمهوری اسلامی ایران و در کل علیه حاکمیت ملی ایران، محسوب خواهد شد.

صلاحیت واقعی مبتنی بر مبانی متعددی است که ضروری است منطبق با این مبانی، به تبیین صلاحیت واقعی در جنایت منجر به شهادت سردار سلیمانی و همراهان ایشان پرداخته شود؛ دفاع مشروع، حفظ نظم عمومی، بی‌کیفرمانی، عدم اعتماد دولت‌ها نسبت به اجرای عدالت توسط دول دیگر و اقتدار دولت‌ها و اقتضای حاکمیت آنها از جمله مهمترین مبانی محسوب می‌شوند. "مهم‌ترین توجیه برای اصل صلاحیت واقعی، جواز دفاع از منافع حیاتی و اساسی مملکت یا همان «نظریه دفاع مشروع» باشد" (شمس و همکاران،

۱۳۹۲، ۴۱). در مورد دفاع مشروع و جواز استناد به آن توسط جمهوری اسلامی ایران جهت اعمال صلاحیت واقعی باید به تعریف و شرایطی که برای آن بیان شده توجه گردد. مستند دفاع مشروع در حقوق کیفری بین‌الملل ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد است. در این ماده مقرر گردیده؛ «در صورت حمله مسلحانه علیه یک عضو سازمان ملل متحد، تازمانی که شورای امنیت اقدامات لازم را برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به عمل آورد، هیچ‌یک از مقررات این منشور به حق دفاع مشروع انفرادی یا دسته‌جمعی اعضا لطمه‌ای وارد نخواهد کرد. اعضا باید اقداماتی را که در اعمال این حق دفاع از خود، به عمل می‌آورند، فوری به شورای امنیت گزارش دهند. این اقدامات به هیچ وجه در اختیار و مسئولیتی که شورای امنیت طبق این منشور دارد و به موجب آن برای حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی در هر موقع که ضروری تشخیص دهد اقدام لازم را به عمل خواهد آورد، تاثیری نخواهد داشت». مستند به این ماده، توسل به دفاع مشروع فقط و فقط به حمله مسلحانه محدود شده و پیش‌بینی شده که هر یک از اعضای سازمان ملل متحد که مورد حمله مسلحانه قرار بگیرند این حق را دارند تا قبل از اینکه شورای امنیت اقدام نماید، از حق دفاع انفرادی و جمعی خود استفاده نمایند. دو نوع تفسیر از ماده ۵۱، بیان شده است تفسیر اول که به تفسیر محدود یا مضیق معروف است، دیدگاه غالب صاحب‌نظران در تفسیر ماده ۵۱ محسوب می‌شود. مطابق این تفسیر، تنها مجوز برای دفاع مشروع توسط اعضا، وقوع حمله مسلحانه است. تفسیر دوم که به تفسیر موسع معروف است، معتقد به گسترش دفاع مشروع به حمله‌های پیش‌دستانه نیز می‌شود. یعنی همان تفسیری که امریکا در این ترور به آن استناد کرده و در جهت پیشگیری از یک حمله مسلحانه و برنامه‌ریزی شده و به عنوان یک اقدام و دفاع پیش‌دستانه منطبق بر ماده ۵۱ دانسته است. اما این استناد و توجیه، مغایر با منشور است، بدلیل اینکه "از نظر حقوقی هیچ «درگیری مسلحانه‌ای» در زمان حمله آمریکا بین این کشور و ایران وجود نداشته است. همین وضعیت میان آمریکا و دولت عراق صادق است. بنابراین هدف قراردادن فرماندهان نظامی ایران و عراق را به هیچ وجه نمی‌توان به عنوان «هدف و اقدام مشروع نظامی» توصیف و توجیه کرد (رحمانی و جعفری، ۱۳۹۸، ۶۶).

در مقابل، در پرونده ترور سردار سلیمانی شرایط حاکم بر مبنای دفاع مشروع و اعمال آن توسط ایران فراهم است چرا که اقدام امریکا به طور قطع حمله مسلحانه است. منظور از حمله مسلحانه (با وجود برخی اختلاف‌نظرها) الزاماً حمله به قلمروی سرزمینی یک کشور نیست بلکه هر نوع هدفی که تجاوز به آن، حاکمیت یک کشور را نقض نماید، مشمول حمله مسلحانه است. سردار سلیمانی، به عنوان فرمانده یک

نیروی رسمی در جمهوری اسلامی ایران است و به نمایندگی از طرف ایران، با دعوت رسمی کشور عراق، در آن کشور حضور یافته و در طول مدتی که داعش، بخش‌های گسترده‌ای از عراق را تسخیر کرده بود در کنار نیروهای مردمی و ارتش این کشور به فعالیت‌های مستشاری و نظامی مشغول بوده است و به اذعان مردم، دولتمردان و ارتشیان این کشور، نقش اصلی را در شکست داعش و آزادسازی بخش‌های تصرف شده بر عهده داشته است. بنابراین؛ حمله مسلحانه به فرمانده یک نیروی رسمی از اعضای نیروهای مسلح در جمهوری اسلامی ایران و نیروهای وی، نقض حاکمیت این کشور بوده اما در مقابل، توسل دولت جمهوری اسلامی ایران به دفاع مشروع منطبق بر ماده ۵۱ منشور خواهد بود و به همین دلیل نیز حمله به پایگاه عین‌الاسد متعاقب این ترور، یک حق طبیعی برای ایران قلمداد می‌گردد. در هر صورت، بدیهی است که توسل به دفاع مشروع به عنوان مبنایی برای اعمال صلاحیت واقعی توسط جمهوری اسلامی ایران در این پرونده فراهم می‌باشد.

مبنای دیگر اعمال صلاحیت واقعی، حفظ نظم عمومی است. در مورد نظم عمومی گفته شده است که؛ "نظم عمومی یک کشور صرفاً تهدیدات و تهاجمات داخلی نقض نمی‌شود؛ بلکه گاه ممکن است نقض نظم عمومی داخلی منشأ خارجی نیز داشته باشد؛ به عنوان مثال با جعل اسکناس‌های رایج یک کشور در خارج، به منافع عالی اقتصاد یک کشور لطمه وارد شود و از این طریق نظم عمومی کشور صدمه ببیند" (پوربافرانی، ۱۳۹۲، ۱۰۳). در پرونده موضوع مطالعه نیز، حمله مسلحانه هر چند خارج از قلمروی سرزمینی جمهوری اسلامی ایران ارتکاب یافته اما با توجه به آثاری که بدنبال داشته، از یک طرف، حاکمیت و اقتدار و در نتیجه آن به نظم عمومی خدشه وارد شده و نقض گردیده است. از طرف دیگر، جنایت ارتكابی، امنیت بین‌المللی را وارد چالش‌هایی کرد، از جمله اینکه منجر به درگیری علنی چند روزه بین دو کشور ایران و آمریکا گردید. نوع برخورد با این پرونده در سطح بین‌المللی در ادامه یافتن این چالش‌ها، بی‌تاثیر نخواهد بود چرا که ممکن است؛ ضمن ایجاد رویه‌ای برای اقدامات مشابه توسط دولت آمریکا، زمینه‌ای برای توجیه اقدامات مجرمانه‌ی دولت‌ها در جهت ارتکاب اعمال مشابه‌ای گردد. بدیهی است چنین بدعتی مغایر با عدالت و امنیت بین‌المللی که در واقع از اهداف اصلی تشکیل سازمان ملل متحد، تشکیل دادگاه‌های کیفری بین‌المللی ویژه، دایمی و موردی و ... بوده، می‌باشد. بنابراین، اعمال صلاحیت واقعی جهت اعاده نظم از دست رفته حق طبیعی و بدیهی ایران در توجیه صلاحیت تجویزی می‌باشد.

بی کیفرمانی مبنای دیگری است که برای توجیه اعمال صلاحیت واقعی به آن استناد می‌شود. در مورد تبیین جلوگیری از بی کیفرمانی می‌توان گفت که، اولین مبنا و هدف از طرح عدالت کیفری بین‌المللی و متعاقب آن تشکیل محاکم بین‌المللی، جلوگیری از بی کیفرمانی مجرمان است. بی کیفرمانی، به معنای عدم اجرای عدالت کیفری در مورد مرتکبین جرائم بین‌المللی شدید است. بنابراین این اصطلاح بیشتر در مورد جرایمی با وصف بین‌المللی و شدید بکار می‌رود هر چند که در حقوق داخلی نیز به‌ویژه در مورد مصونیت‌ها، معافیت‌های قانونی، عفو و ... و همچنین به‌عنوان مبنای جرم‌انگاری برخی از رفتارهای مجرمانه ممکن است مورد استفاده قرار بگیرد. در معنایی ساده به زبان حقوقی، «بی کیفری» عبارت است از «به مجازات نرسیدن کسی که مرتکب جرم شده است». پدیده بی کیفری هر چند در حقوق بین‌الملل کیفری دارای مصادیق متعدد بوده که هر یک ممکن است ناشی از علل و عوامل مختلفی باشند، اما مفهوم یکسانی و مشخصی از بی کیفری وجود دارد. در مفهوم، بی کیفری عبارت است از "مصون ماندن فرد ناقض قوانین کیفری از تحمل ضمانت‌اجرای پیش‌بینی شده برای آن عمل" (آزمایش، ۱۳۸۷، ۲۰-۱۸؛ نمایان و طیبی، ۱۳۹۱، ۱۱۸-۱۱۷). مقابله با بی کیفرمانی جنایات مهم بین‌المللی که تهدیدی برای کل بشریت و امنیت و صلح بین‌المللی است، محل تلاقی مفهوم جامعه بین‌المللی و ایده عدالت کیفری جهانی است و البته تاکنون زمینه‌ساز اقدامات مهمی در عرصه بین‌المللی شده است که از جمله می‌توان به تأسیس دادگاه‌های کیفری بین‌المللی ویژه و دیوان بین‌المللی کیفری در دو دوره اخیر اشاره کرد. جنایت ارتكابی منجر به شهادت سردار سلیمانی و همراهان ایشان، مصداق بارز تروریسم بوده و از جمله جنایاتی است که در قطعنامه‌های متعدد سازمان ملل متحد کشورها ملزم به همکاری برای مقابله با آن شده‌اند. از همین‌رو ضمن اینکه مقابله با تروریسم، مصداقی برای اعمال صلاحیت جهانی در سطح بین‌المللی محسوب شده، مبنایی برای اعمال صلاحیت واقعی کشورهایی که در نتیجه اقدام تروریستی مستقیماً مورد هدف قرار گرفته‌اند نیز خواهد بود.

در مورد دو مبنای دیگر توجیه اعمال صلاحیت واقعی توسط جمهوری اسلامی ایران یعنی عدم اعتماد دولت‌ها نسبت به اجرای عدالت توسط دول دیگر و اقتدار دولت‌ها و اقتضای حاکمیت آنها نیز می‌توان گفت که، در این پرونده هر چند حاکمیت سرزمینی دولت عراق نقض شده و یکی از فرماندهان نیروهای مسلح این کشور به همراه چند شهروند دیگر کشته شده‌اند، اما نمی‌توان با اعتماد به این کشور، اجرای عدالت را به آن سپرد به‌ویژه اینکه، این کشور اقداماتی که می‌بایست در همکاری با جمهوری اسلامی ایران آن گونه که لازم بوده انجام نداد است. همچنین در این پرونده بزه‌یده واقعی جمهوری اسلامی ایران است

که منافع اساسی و حیاتی آن مورد تجاوز قرار گرفته و نقض گردیده است. بنابراین اقتضای حاکمیت آن ایجاب می‌کند که با اعمال صلاحیت تجویزی بر مبنای صلاحیت واقعی، نسبت به اعاده اقتدار خود اقدام نماید.

پ) اعمال صلاحیت شخصی منفی

یکی دیگر از اصول حاکم بر صلاحیت که در قوانین اغلب کشورها مورد توجه قرار گرفته، اصل صلاحیت شخصی است که با توجه به ممنوعیت استرداد اتباع یک کشور به کشور دیگر بر مبنای تابعیت مرتکب جرم یا تابعیت بزه‌دیده تعیین می‌شود. بنابراین اصل صلاحیت شخصی، استثنایی بر اصل صلاحیت سرزمینی است چرا که در صلاحیت سرزمینی، اصل بر صلاحیت محاکم یک کشور در رسیدگی به کلیه جرایم ارتكابی در قلمروی سرزمینی آن کشور اعم از زمینی، هوایی و دریایی است. در حالی که صلاحیت شخصی، «عبارت از توسعه‌ی صلاحیت تقنینی و قضایی یک کشور نسبت به جرایمی است که «توسط» یا «علیه» اتباع آن کشور در خارج از قلمرو حاکمیت آن کشور واقع می‌شود» (پورباقرانی، ۱۳۹۵، ۱۱). بدین- ترتیب صلاحیت شخصی دارای دو جنبه مثبت (فعال) و منفی (منفعل) است. منظور از جنبه مثبت، اعمال صلاحیت بر مبنای تابعیت شخص مرتکب جرم است که در صورت ارتكاب جرم خارج از قلمروی سرزمینی کشور متبوع خود، بر مبنای تابعیتی که دارد، محاکم دولت متبوع وی صلاحیت رسیدگی به جرم یا جرایم ارتكابی وی را خواهند داشت. در مقابل منظور از جنبه منفی صلاحیت شخصی، اعمال صلاحیت بر مبنای تابعیت شخص بزه‌دیده است. به این صورت که اگر شخص تبعه یک دولت در خارج از قلمروی سرزمینی کشور متبوع خود، بزه‌دیده واقع شود، بر مبنای تابعیتی که دارد، محاکم دولت متبوع وی صلاحیت رسیدگی به جرم یا جرایم ارتكابی علیه وی را خواهند داشت. "در حقوق کامن‌لا روی خوشی به این اصل نشان داده نشده است" (هاریز، ۱۹۹۸، ۲۸۰-۲۷۹؛ بلدسو و بوسچک، ۱۳۷۵، ۱۳۷). گفته شده است که اعمال این اصل توسط دولت متبوع مجنی علیه باعث مداخله در حاکمیت کشور محل وقوع جرم می‌شود. علاوه بر آن نفعی عاید دولت متبوع مجنی علیه نمی‌کند و باعث بی‌عدالتی نسبت به متهم هم می‌شود. با وجود این انتقادات (میرمحمدصادقی، ۱۳۷۶، ۲۷). "کشورهای زیادی همچون فرانسه، آلمان، ایتالیا، یونان، مکزیک و سوئیس آن را پذیرفته‌اند" (اکورست، ۱۹۷۲، ۱۶۳-۷۳؛ سورنسن، ۱۹۶۸، ۳۷۲-۳۶۸). "اتفاقاً این انتقادات عمدتاً متوجه اعمال مطلق و بدون قید و شرط این اصل بوده و با اعمال محدود و مشروط این اصل عمده

انتقادات منتفی می‌شوند" (پوربافرانی، ۱۳۹۴، ۹۶). "امروزه این اصل جایگاه محکمی دارد به نحوی که بسیاری از کشورها حتی کشورهای همسایه مثل ترکیه و افغانستان نیز آن را پذیرفته‌اند" (پوربافرانی، ۱۳۹۵، ۱۱). به هر حال امروزه، به تعبیر آقای شاو "به‌رغم اینکه اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی علیه یکی از پرانتقادترین اصول صلاحیتی در حقوق بین‌الملل بوده اما جامعه‌ی بین‌المللی آن را به رسمیت شناخته است" (شاو، ۱۹۹۴، ۴۰۶). در نظام کیفری ایران، تا قبل از تصویب ق.م.ا. ۱۳۹۲؛ تنها جنبه مثبت صلاحیت شخصی مورد پذیرش مقنن ایران قرار گرفته بود. بر این اساس تنها زمانی که تبعه ایرانی در خارج از کشور مرتکب جرمی شده و در ایران یافت می‌شد؛ به جرم یا جرایم ارتكابی او در خارج از قلمروی سرزمینی ایران، تحت شرایط پیش‌بینی شده در قوانین و مقررات ایران توسط محاکم کیفری داخلی با استناد به قانون جمهوری اسلامی ایران امکان رسیدگی داشت. این همان جنبه مثبت اصل صلاحیت شخصی است.

مقنن در ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲، ضمن پذیرش مجدد صلاحیت شخصی مثبت در ماده (۷)، برای اولین بار در ماده (۸) این قانون، صلاحیت شخصی منفی یا مبتنی بر تابعیت بزه‌دیده یا مجنی علیه را با هدف حمایت از اتباع کشور به صراحت مورد پذیرش قرار داد. مطابق این ماده برای اعمال صلاحیت بر مبنای صلاحیت شخصی منفی شرایطی پیش‌بینی شده است که در ادامه ضمن مطالعه هر کدام از این شرایط، تحقق یا عدم تحقق آن در پرونده ترور سردار سلیمانی و همراهان ایشان نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد تا مشخص شود که امکان توسل به صلاحیت شخصی منفی برای اعمال صلاحیت محاکم ایران برای پیگیری، تعقیب و مجازات آمر و مرتکبین این جنایت فراهم می‌باشد یا خیر؟

شرط اول، اینکه مرتکب جرم باید غیر ایرانی باشد. در صورتی که مرتکب تبعه ایران باشد، براساس اصل صلاحیت شخصی مثبت یا فعال قابل تعقیب خواهد بود و دیگر نوبت به صلاحیت شخصی منفی نمی‌رسد. در پرونده ترور سردار سلیمانی و همراهان ایشان، تعداد بیش از ۶۰ نفر آمریت، مباشرت، مشارکت و معاونت داشته‌اند. اغلب آنها از مقامات سیاسی و نظامی امریکا محسوب می‌شوند. بنابراین با وجود مصونیت، ممنوعیت و محدودیت‌هایی که از منظر حقوق بین‌المللی در مورد مصونیت سران دولت‌ها و ... در این خصوص وجود دارد، این شرط یعنی غیرایرانی بودن مرتکبین برای اعمال صلاحیت شخصی منفی در پرونده ترور سردار سلیمانی و همراهان ایشان فراهم می‌باشد.

شرط دوم، اینکه جرم نیز باید خارج از قلمرو حاکمیت ایران ارتکاب یافته باشد (بدیهی است در صورت ارتکاب جرم در داخل کشور، با توسل به صلاحیت سرزمینی، نوبت به مکمل‌های این صلاحیت نظیر صلاحیت شخصی منفی نمی‌رسید). در پرونده ترور سردار سلیمانی و همراهان ایشان، جرم در قلمروی سرزمینی کشور عراق ارتکاب یافته و خارج از قلمروی حاکمیت ایران بوده است. بنابراین، این شرط نیز در مورد اعمال صلاحیت شخصی منفی در پرونده ترور مذکور محقق بوده و احراز می‌شود.

شرط سوم، اینکه بزه‌دیده دارای تابعیت ایران یا جرم علیه کشور ایران باشد. نوع جرم ارتكابی علیه بزه‌دیده براساس ماده (۸) اهمیتی ندارد. اما نوع جرم ارتكابی علیه کشور ایران مهم است با این توضیح که در این قسمت ما با دو اصل صلاحیتی یعنی صلاحیت واقعی و صلاحیت مبتنی بر تابعیت بزه دیده مواجه هستیم چون همانگونه که گذشت، در صلاحیت واقعی جرم علیه کشور ایران بود. جهت مشخص نمودن نوع صلاحیت باید بیان داشت که مصادیق ذکر شده در ماده ۵ خاص بوده و هرگاه مرتکب علیه کشور ایران جرایم مصرح در هر یک از مصادیق یاد شده در ماده ۵ را مرتکب شود نوع صلاحیت جهت رسیدگی در محاکم ایران صلاحیت واقعی است اما اگر جرم ارتكابی علیه تبعه کشور ایران غیر از مصادیق یاد شده در ماده ۵ باشد مشمول ماده ۸ بوده و رسیدگی بر مبنای صلاحیت شخصی منفی یا تابعیت بزه دیده خواهد بود. در پرونده ترور موضوع مطالعه، علاوه بر سردار سلیمانی که دارای تابعیت ایران (متولد کرمان) بودند، چهار نفر از همراهان ایشان نیز از اتباع ایرانی بودند که در این جنایت به شهادت رسیدند. بنابراین این شرط نیز در مورد اعمال صلاحیت شخصی منفی در پرونده ترور فراهم می‌باشد.

شرط چهارم، متهم در ایران حضور داشته باشد یا به ایران اعاده گردد. بنابراین تا متهم در ایران یافت و یا به ایران اعاده نشود، امکان محاکمه وی فراهم نیست، نتیجه اینکه در صلاحیت شخصی منفی امکان رسیدگی غیابی وجود ندارد. بر خلاف سایر شرایط، در حال حاضر این شرط برای اعمال صلاحیت بر مبنای صلاحیت شخصی منفی در پرونده ترور سردار سلیمانی و همراهان ایشان فراهم نیست. بنابراین تا زمانی که یکی از مرتکبین این جنایت (آمرین یا مباشرین) در ایران حضور نیافته یا با همکاری سایر کشورها و یا پلیس بین‌الملل به ایران اعاده نگشته، امکان محاکمه در ایران وجود نخواهد داشت. البته این عدم امکان، تنها در ارتباط با محاکمه بوده و مراحل تعقیب و پیگیری و تحقیقات مقدماتی را در بر نمی‌گیرد و محاکم ایران می‌توانند با توسل به صلاحیت شخصی منفی پیگیری‌ها و تحقیقات مقدماتی را انجام دهند.

شرط پنجم، در جرایم تعزیری غیرمنصوص شرعی متهم قبلاً در کشور محل وقوع جرم محاکمه و مجازات نشده باشد. بنابراین اصل منع محاکمه و مجازات مجدد تنها در جرایم تعزیری غیرمنصوص شرعی و تنها در محل وقوع جرم پذیرفته شده است در نتیجه جرایم حدی، قصاص، دیه و تعزیرات منصوص شرعی مشمول این اصل قرار نگرفته‌اند، لذا در صورت ارتکاب چنین جرایمی توسط اشخاص غیرایرانی علیه اتباع ایرانی یا کشور ایران محاکمه و مجازات مطابق قانون ایران به عمل خواهد آمد هر چند که قبلاً مورد محاکمه و مجازات قرار گرفته باشند.

ششم، رفتار ارتكابی براساس قانون محل وقوع جرم و قوانین ایران جرم باشد، و این یعنی لزوم رعایت شرط مجرمیت مضاعف (مجرمیت متقابل). در بررسی این شرط در پرونده ترور، باید قوانین کشورهای ایران و عراق (یعنی کشور محل وقوع جرم) مورد توجه قرار گیرد. در نظام حقوقی ایران با وجود اینکه جرمی تحت عنوان خاص تروریسم جرم‌انگاری نشده است، اما، تحت سایر عناوین همچون جنایات عمدی، محاربه، جرایم علیه امنیت و ... که در رویه قضایی نیز بر اساس همین عناوین پرونده‌های مرتکبین ترور در ادوار مختلف مورد رسیدگی قرار گرفته، جنایت ارتكابی در ترور سردار سلیمانی و همراهان ایشان در ایران، جرم محسوب می‌شود و در کشور عراق نیز این عنوان مجرمانه بوده و موضوع جرم‌انگاری قرار گرفته است.

مطابق آنچه که در مورد صلاحیت شخصی منفی در تطبیق با پرونده موضوع مطالعه بررسی شد می‌توان به این نتیجه رسید که جمهوری اسلامی ایران صلاحیت تجویزی جهت رسیدگی به جنایت ارتكابی علیه تبعه خود در محاکم صالح داخلی را دارد. هر چند که به دلیل شرط حضور مرتکب، در حال حاضر امکان محاکمه غیابی وجود ندارد اما امکان پیگیری و تعقیب وجود دارد و با توجه به تعداد زیاد اشخاصی که در این پرونده نقش آمریت، مباشرت، مشارکت و معاونت داشته‌اند، با حضور هر یک یا استرداد آنها به ایران می‌توان به این تعقیب ادامه داده و وارد مراحل بعدی رسیدگی و در آخر اجرای احکام شد.

ت) اعمال صلاحیت جهانی

صلاحیت جهانی یکی دیگر از صلاحیت‌های برون مرزی و به معنای صلاحیت دادگاه‌های همه کشورها در تعقیب، رسیدگی و مجازات نسبت به جرایم بین‌المللی است. علت پیش‌بینی این نوع از صلاحیت، افزایش

ارتکاب جنایات بین‌المللی در چند دهه اخیر است که موجب شده تا اعضای جامعه بین‌الملل به صورت انفرادی و یا با توافق (دو جانبه یا چند جانبه یا بین‌المللی) با یکدیگر در واکنش به این جنایات، اصل صلاحیت جهانی را در مقام تعقیب و مجازات مرتکبین جنایات بین‌المللی مطرح و مورد پذیرش قرار دهند. برخلاف اصل حمایتی (صلاحیت واقعی)، اصل جهانی بودن، صلاحیتی است که نه علیه خود دولت بلکه علیه کل جامعه بین‌المللی انجام می‌شود. در این خصوص؛ گروتیوس چنین اظهار داشته است؛ «هر کشوری صلاحیت رسیدگی به «نقض فاحش قانون طبیعت و ملت‌ها را که به سایر کشورها و رعایا انجام می‌شود را دارد» (گروتیوس^۱، ۲۰۰۵، ۲۴۷). دزدی دریایی برای سال‌ها تنها جنایت بر مبنای صلاحیت جهانی بود. البته، نه به این دلیل که یک عمل فجیع بود، بلکه به این دلیل که خارج از صلاحیت حاکمیتی، دولت‌ها انجام می‌شد. اما، در ده‌های اخیر؛ بسیاری از کشورها به این اجماع رسیده‌اند که جنایاتی مانند نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت جنایات جنگی و شکنجه و ترور را واجد صلاحیت جهانی معرفی نمایند. بنابراین؛ مهمترین جرائم بین‌المللی که اعمال صلاحیت جهانی در رسیدگی به آنها پذیرفته شده عبارتند از، قاچاق مواد مخدر، تروریسم، جرایم علیه بشریت، نسل‌کشی، بچه‌دزدی، برده‌داری و تجارت برده، گروگان‌گیری، معامله فحشا، دزدی دریایی، هواپیماری، نقض‌های شدید کنوانسیون‌های ژنو، جرایم سایبری شدید نظیر پورنوگرافی کودکان می‌باشد.

با وجود اجماع در مورد برخی از مصادیق اعمال صلاحیت جهانی؛ اجماعی در مورد تعریف صلاحیت جهانی در حقوق بین‌الملل وجود ندارد و تعاریف متعددی از صلاحیت جهانی ارائه شده است؛ برخی از این تعاریف عبارتند از:

۱. در تعریفی که از سوی اعلامیه پریستون ارائه شده است صلاحیت جهانی عبارت است از، صلاحیت کیفری مبتنی بر ماهیت جرم بدون توجه به تابعیت مجرم، تابعیت مجنی‌علیه و یا هرگونه ارتباط دیگری با دولت اعمال‌کننده صلاحیت و اینکه جرم کجا ارتکاب یافته است.
۲. "اصلی است که به دولت‌ها اجازه می‌دهد صلاحیت کیفری خود را بر افرادی اعمال کنند که مرتکب جنایاتی علیه حقوق بین‌الملل شده‌اند و در عین حال نسبت به آن افراد اصول صلاحیتی سنتی و مرسوم قابل اعمال نمی‌باشد" (مرون^۲، ۲۰۰۶، ۱۱۸).

۳. این اصل برای رفع خلأ ناشی از عدم قابلیت اعمال اصول دیگر به وجود آمده است و

این همان جنبه فرعی یا ثانوی اصل صلاحیت جهانی است" (او کف^۱، ۲۰۰۴، ۷۵۴).

۴. "اصل صلاحیت جهانی به هر یک از کشورها اجازه تعقیب مجرمینی را می‌دهد که نه

در قلمرو حاکمیت آنها مرتکب جرم شده‌اند، نه از اتباع آنها هستند، نه به منافع حیاتی و اساسی

آنها تجاوز کرده‌اند و و نه علیه اتباع آنها مرتکب جرم شده‌اند، تنها معیار مطرح برای اعمال

صلاحیت در این مورد «محل دستگیری مجرم» است" (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۳، ۵۳-۴۷).

در کنار پتانسیل تعمیم اقدامات تروریستی در پرونده سردار سلیمانی به سایر جرایم در صلاحیت دیوان و متعاقب آن طرح دعوی در دیوان؛ محاکم ملی نیز تحت صلاحیت جهانی امکان رسیدگی به جنایات ارتكابی در این پرونده را دارند. توسل محاکم داخلی به صلاحیت جهانی، همان موضوعی که دیوان با پذیرش صلاحیت تکمیلی، اصل را بر رسیدگی محاکم ملی کشورها قرار داده است. در نظام حقوقی ایران، صلاحیت جهانی همواره به عنوان یکی از انواع صلاحیت‌های فراسرزمینی مورد توجه بوده و در حال حاضر نیز، مستند قانونی اعمال این نوع از صلاحیت، ماده (۹) ق.م.ا. ۱۳۹۲ می‌باشد. با عنایت به ماده اخیر، شرایط لازم جهت رسیدگی بر مبنای اصل صلاحیت جهانی عبارتند از، اول، جرم بین‌المللی در خارج از قلمرو حاکمیت کشور ارتكاب یافته باشد، چرا که در صورت وقوع جرم در داخل قلمرو، جرم مشمول اصل صلاحیت سرزمینی است و نوبت به اعمال اصل صلاحیت جهانی نخواهد رسید؛ دوم، عهدنامه یا مقررات بین‌المللی مبنی بر صلاحیت جهانی نسبت به آن جرم وجود داشته و ایران هم پس از تصویب آن عهدنامه، قانونی مبنی بر اعلام صلاحیت دادگاه‌های ایران نسبت به جرم مذکور وضع کرده باشد؛ سوم، مرتکب باید در قلمرو کشور ایران حضور پیدا کند؛ چهارم، عمل باید براساس قوانین ایران نیز جرم باشد. در ادامه به بررسی شرایط چهارگانه- ای که در ماده ۹ ق.م.ا. ۱۳۹۲ برای رسیدگی به جنایات ارتكابی در ترور سردار سلیمانی و همراهانشان تحت صلاحیت جهانی مقرر گردیده می‌پردازیم.

همانطور که بیان شد؛ شرط اول برای اعمال صلاحیت بر مبنای صلاحیت جهانی، ارتكاب جرم در خارج

از قلمرو حاکمیت کشور است، در این پرونده محل وقوع جنایات در کشور عراق بوده و لذا شرط اول در

اعمال صلاحیت جهانی توسط محاکم جمهوری اسلامی ایران، در این پرونده محقق می‌باشد. شرط دوم این

بود که، جنایات ارتكابی باید از جمله جرایم خاصی باشد که در عهدنامه یا مقررات بین‌المللی به صراحت از آن جهت اعمال صلاحیت جهانی نام برده شود. اقدامات تروریستی همان‌گونه که در بررسی مستندات بین‌المللی مطالعه شد، هم در قطعنامه‌های شورای امنیت و هم در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای به صراحت از جمله جرایمی یاد شده که مرتکبین آن در هر کشوری که دستگیر شود، امکان اعمال صلاحیت جهانی را دارد. در مورد قطعنامه‌های شورای امنیت، انفجار برج‌های تجاری در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ متعاقب اقدامات تروریستی، محفلی برای صدور قطعنامه‌های متعدد این شورا قرار گرفت. شورای امنیت در ۱۲ سپتامبر طی قطعنامه ۱۳۶۸ ضمن محکومیت شدید اقدامات یاد شده که منجر به خسارات جانی و مالی شدیدی علیه دولت امریکا و خانواده‌های بازماندگان شده بود، آمادگی و تمایل خود را برای هرگونه تدابیر جهت مبارزه با کلیه اشکال تروریسم را اعلام و در تاریخ ۲۸ سپتامبر یعنی ۱۷ روز پس از اقدامات تروریستی ۱۱ سپتامبر در امریکا، تروریسم را عاملی برای تهدید صلح و امنیت بین‌المللی معرفی و قطعنامه ۱۳۷۳ را تصویب کرد. البته پیشینه صدور قطعنامه توسط شورای امنیت برای اقدامات تروریستی برای اولین بار در قضیه لاکربی مورد توجه قرار گرفت و شورای امنیت با ابراز نگرانی از اعمال تروریستی و محکوم کردن اقدامات غیرقانونی که امنیت هواپیمایی کشوری را به مخاطره افکنده بود، با تصویب قطعنامه ۷۳۱ در ژانویه ۱۹۹۲ از دولت لیبی خواست تا به درخواست‌های دولت‌های مذکور (امریکا و انگلستان) پاسخ مثبت دهد و در مبارزه با تروریسم بین‌المللی مشارکت کند. قطعنامه ۱۵۳۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد که در تاریخ ۲۶ مارس ۲۰۰۴ تصویب شد، قطعنامه دیگری است که توسط شورا درباره تهدید صلح و امنیت بین‌المللی ناشی از اقدامات تروریستی صادر شده است. در مورد اسناد بین‌المللی همان‌گونه که در قسمت‌های نخست مقاله بررسی گردید، معاهدات متعددی در جهت محکومیت اقدامات تروریستی و اتخاذ تدابیر توسط هر یک از دولت‌ها به تصویب رسیده است. کنوانسیون ممانعت و مجازات تروریسم ۱۹۳۷ (کنوانسیون ژنو ۱۹۳۷) و کنوانسیون راجع به جلوگیری از ارتكاب جرائم علیه اشخاص مورد حمایت بین‌المللی منجمله مأمورین سیاسی مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۷۳ از جمله مهمترین کنوانسیون‌های بین‌المللی است که در خصوص تروریسم می‌توان به آنها استناد کرد. در مقدمه کنوانسیون ۱۹۷۳، به صراحت مقرر شده است؛ «... نظر به اینکه جرائم علیه مأمورین دیپلماتیک و سایر اشخاص مورد حمایت بین‌المللی در عین ایجاد مخاطره برای امنیت این اشخاص، حفظ مناسبات معموله بین‌المللی را نیز که جهت همکاری بین کشورها ضروری است جداً تهدید می‌کند (و) با اعتقاد به اینکه ارتكاب این قبیل جرائم نگرانی خطیری

برای جامعه بین‌المللی ایجاد می‌نماید (و) با یقین به لزوم اتخاذ تدابیر مقتضی فوری و مؤثر جهت جلوگیری و مجازات این قبیل جرائم کشورهای طرف کنوانسیون توافق نمودند...» که ضمن جرم‌انگاری جرایم علیه تمامیت جسمانی یا تهدید به ارتکاب این جرایم نسبت به تدابیر اجرایی از جمله استرداد مرتکبین جرایم موضوع کنوانسیون اقدام نمایند. مطابق ماده یک این کنوانسیون؛ منظور از شخص مورد حمایت بین‌المللی به اشخاص زیر اطلاق می‌گردد:

الف - رییس کشور یا هر یک از اعضای گروهی که حسب قوانین اساسی کشور مربوطه وظایف رییس کشور را اعمال می‌نمایند و رئیس دولت یا وزیر امور خارجه - هنگامی که هر یک از این اشخاص در سرزمین یک کشور خارجی به سر می‌برند و همچنین اعضای خانواده او که همراه باشند.

ب - کلیه نمایندگان و کارمندان یا شخصیت‌های رسمی هر کشور یا هر کارمند و شخصیت رسمی یا مأمور دیگر یکی از سازمان‌های بین‌المللی یا بین دول هنگام وقوع جرم علیه شخص او یا اماکن رسمی و محل سکنی شخصی و یا وسائل نقلیه، او، حق دارد به موجب حقوق بین‌الملل از حمایت مخصوص در مقابل ایراد لطمه به شخص و آزادی و حیثیت و اعضای خانواده خود که با او زندگی می‌کنند - برخوردار گردد.

باعنایت به اینکه سردار سلیمانی از جمله مقامات ارشد نظامی و از جمله فرماندهان نیروهای مسلح بوده و با دعوت رسمی مقامات رسمی دولت عراق و به عنوان یک شخصیت رسمی به آن کشور عزیمت نموده، و جنایت ارتكابی علیه ایشان از جمله جرایم مصرح در این کنوانسیون یعنی قتل عمدی می‌باشد، بنابراین، استناد به این کنوانسیون علاوه بر اینکه می‌تواند موجبات همکاری الزامی تمام دولت‌های عضو این کنوانسیون را به دنبال داشته باشد، می‌تواند مستندی برای اعمال صلاحیت جهانی توسط هر یک از این دولت‌ها از جمله دولت ایران باشد تا در صورت حضور هر یک از اشخاص دخیل در این پرونده در قلمروی سرزمینی آن دولت، اقدام به دستگیری، تعقیب و محاکمه و مجازات آنها نماید.

در اسناد منطقه‌ای و دو جانبه و چندجانبه نیز اقدامات تروریستی محکوم و مبارزه با مرتکبین این قبیل اقدامات مورد توجه قرار گرفته است. کنوانسیون اروپایی مقابله با تروریسم ۱۹۷۷ و پروتکل الحاقی آن در ۱۵ می ۲۰۰۳، کنوانسیون کشورهای آمریکایی برای مقابله با تروریسم ۲۰۰۲ از جمله مهمترین این اسناد

هستند که در آنها لزوم همکاری دولت‌ها برای مقابله با اقدامات تروریستی توصیه و اتخاذ تدابیر لازم از جمله تعقیب و مجازات مرتکبین اقدامات تروریستی در صورت دستگیری در هر یک از دولت‌ها پیشنهاد شده است.

نکته مهم دیگر اینکه، «شورای امنیت سازمان ملل متحد در ۲۱ دسامبر ۲۰۰۵ طی بیانیه‌ای، کمیته ضد تروریسم این شورا را موظف کرد تا همکاری خود را با کشورهای عضو در روند مبارزه با تروریسم افزایش دهد. این امر شامل کمک‌های فنی و یافتن راه‌هایی برای افزایش همکاری با سازمان‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و زیر منطقه‌ای است. این بیانیه کمیته ضد تروریسم را موظف به ایجاد اداره اجرایی جدیدی می‌کند تا اهداف مورد نظر شورای امنیت سازمان ملل در مبارزه با تروریسم را محقق سازد. مبنای وجودی کمیته ضد تروریسم قطعنامه ۱۳۷۳ (۲۰۰۱) شورای امنیت بوده و اعضای آن شامل ۱۵ عضو شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌شود. در مجموع، قطعنامه ۱۳۷۳ به عنوان یکی از مهمترین اسناد بین‌المللی در خصوص مبارزه با تروریسم محسوب شده، و شرایطی را فراهم می‌آورد که با برخی مفاهیم سنتی سیاست بین‌الملل نظیر حاکمیت و استقلال کشورها در تعارض است. نکات مهم این قطعنامه عبارت است از:

۱. درخواست از دولت‌های عضو مبنی بر جلوگیری از تأمین مالی اعمال تروریستی یا مقابله با آن.
۲. قلمداد کردن هرگونه تأمین مالی اعمال تروریستی در خاک خود به عنوان یک جرم.
۳. مسدود نمودن منابع اقتصادی یا اندوخته‌های مالی مرتکبین اعمال تروریستی یا کسانی که برای ارتکاب اعمال تروریستی تلاش می‌کنند یا کسانی که در ارتکاب این اعمال مشارکت می‌کنند یا ارتکاب آن را تسهیل می‌کنند.
۴. درخواست از دولت‌های عضو مبنی بر همکاری در زمینه تحقیقات جنایی و قضایی در خصوص جرایم مرتبط با تأمین مالی اقدامات تروریستی.
۵. درخواست از دولت‌های عضو مبنی بر خودداری از حمایت از افراد یا مجموعه‌هایی که در اعمال تروریستی دخالت دارند خواه به شکل فعالانه و خواه انفعالی.
۶. از دولت‌ها خواسته شده قبل از اعطای پناهندگی به پناه جویان، اطمینان حاصل کنند که این افراد در ارتکاب اعمال تروریستی دخالت نداشته‌اند و بعد از اعطای پناهندگی نیز باید مراقبت نمایند که از وضعیت پناهندگی برای سازماندهی، طراحی و تدارک اقدامات تروریستی سوء استفاده نشود.

۷. درخواست از دولت‌های عضو مبنی بر هماهنگی نمودن تلاش‌های خود برای مقابله با پدیده تروریسم با توجه به ارتباط نزدیک تروریسم بین‌الملل با جنایات سازمان‌یافته فراملی از جمله قاچاق مواد مخدر، تطهیر پول، قاچاق غیرقانونی سلاح و نقل و انتقال غیرقانونی مواد اتمی، شیمیایی و بیولوژیک و سایر مواد بالقوه خطرناک.

۸. تأسیس کمیته‌ای برای نظارت بر حسن اجرای این قطعنامه توسط شورا و اعلام این مسئله که هرگونه اقدام ضروری را برای تضمین اجرای کامل این قطعنامه مطابق منشور ملل متحد انجام خواهد داد» (خیری و جدلی، ۱۳۸۹، ۱۶۳-۱۶۲).

با عنایت به موارد یاد شده، مشخص می‌شود که شرط دوم مقرر در ماده ۹ ق.م.ا نیز در این پرونده فراهم می‌باشد و اقدامات تروریستی از جمله جرایمی هستند که اعمال صلاحیت جهانی در مورد مرتکبین دستگیر شده در هر دولتی در قطعنامه‌های شورای امنیت و معاهدات بین‌المللی و منطقه‌ای تصریح شده است.

شرط سوم برای اعمال صلاحیت جهانی توسط محاکم قضایی در ایران، یافت شدن مرتکب در قلمروی سرزمینی کشور ایران است. در مورد این شرط گفته شده است که "در حالی که انجمن حقوق بین‌الملل حضور متهم در سرزمین دولت رسیدگی‌کننده را شرط اعمال صلاحیت جهانی می‌داند، برخی دولت‌ها اعمال «صلاحیت جهانی غیابی» را جایز دانسته‌اند. به‌طور مثال بلژیک در دوره‌ای حضور متهم برای رسیدگی جرایم مشمول صلاحیت جهانی را لازم ندانسته بود (حامد، ۱۳۸۴، ۵۹) و نیوزلند نیز رسیدگی به جرایم موضوع اساسنامه رم را منوط به حضور متهم ندانسته است (بروس^۱، ۲۰۰۱، ۴۱۰-۴۰۹). همچنین ادعا شده که عدم اعمال صلاحیت جهانی غیابی از سوی دولت‌ها به دلیل ملاحظات سیاسی مانند فشار افکار عمومی و پرهیز از به چالش کشیده شدن نظام قضایی ملی بوده است، لذا هرچند هیچ عرف بین‌المللی اعمال صلاحیت جهانی غیابی را نپذیرفته است، اما هیچ عرف بین‌المللی نیز آن را ممنوع نکرده است (رابینوویتج^۲، ۲۰۰۴، ۵۱۰). با این حال علاوه بر قسمت چهارم از بند ۳ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی که اعمال صلاحیت غیابی را ممنوع می‌داند، برخی کنوانسیون‌های بین‌المللی مانند کنوانسیون منع شکنجه مورخ ۱۹۸۴ صریحاً اشاره داشته‌اند که چنانچه متهم در قلمرو سرزمینی دولت‌های عضو «یافت شود»، دولت‌ها ملزم به

^۱ Bruce

^۲ Rabinovitch

اعمال صلاحیت جهانی هستند (پرادل^۱، ۱۳۸۸، ۶۰۳). به همین دلیل قاضی هیگینز رئیس وقت دیوان بین-المللی دادگستری در نظریه جداگانه خود در قضیه قرار بازداشت (کنگو علیه بلژیک) بیان کرد که تمام معاهدات متضمن جرایم جهانی نیازمند حضور متهم است و «صلاحیت جهانی غیابی آن چنان که در این قضیه اعمال شده است مورد پذیرش حقوق بین‌الملل نیست». از همین رو؛ فرانسه و قوانین برخی کشورها مانند جمهوری اسلامی ایران اعمال صلاحیت جهانی طبق کنوانسیون‌های بین‌المللی را منوط به حضور متهم در سرزمین کشور کرده‌اند" (به نقل از ضیایی و حکیمی‌ها، ۱۳۹۵، ۱۰۱-۱۰۰).

در هر صورت با توجه به پیش‌بینی شرط حضور متهم در ماده ۹ ق.م.ا، برای اعمال صلاحیت جهانی، امکان رسیدگی غیابی فراهم نیست ولی در صورتی که هر یک از مباشرین و اشخاص دخیل در ترور سردار سلیمانی و همراهانشان تحت هر شرایطی در ایران یافت و یا به نحوی به ایران مسترد شود، امکان تعقیب و محاکمه و مجازات هر یک از آنها بر اساس صلاحیت جهانی فراهم خواهد بود.

شرط آخر که در ماده ۹ ق.م.ا ۱۳۹۲ به آن تصریح شده، این بود که عمل باید بر اساس قوانین ایران نیز جرم باشد. نگاهی به حقوق کیفری ماهوی در نظام حقوقی ایران نشان می‌دهد جرم خاصی تحت عنوان تروریسم جرم‌انگاری نشده است اما همانگونه که مطالعه شد، رویه قضایی در برخورد با مرتکبین چنین اقداماتی به مواد مرتبط با جنایات عمدی یا محاربه و افساد فی الارض یا تامین مالی تروریسم و یا جرایم علیه امنیت استناد کرده‌اند. بنابراین با وجود عدم جرم‌انگاری خاص تروریسم در ایران، ترور از جمله رفتارهای مجرمانه بوده که بسته به موضوع و گستره آن ممکن است تحت شمول جنایات عمدی یا هر یک از جرایم یاد شده دیگر قرار بگیرد. نتیجه اینکه، شرط چهارم نیز برای اعمال صلاحیت جهانی فراهم می‌باشد.

با عنایت به موارد یاد شده می‌توان به این جمع‌بندی از امکان‌پذیری اعمال صلاحیت جهانی در تعقیب و محاکمه مرتکبین ترور سردار سلیمانی و همراهانشان توسط محاکم قضایی داخلی رسید که در حال حاضر سه شرط از چهار شرط یاد شده فراهم می‌باشد اما، با توجه به اینکه امکان محاکمه غیابی در جرایم مرتبط با اقدامات تروریستی وجود ندارد، تا زمانی که این شرط محقق نشده محاکم داخلی نمی‌توانند با استناد به صلاحیت جهانی اقدام به رسیدگی در این پرونده نمایند. بدیهی است با عنایت به اینکه، جنایات بین‌المللی

از جمله اقدامات تروریستی مشمول مرور زمان نمی‌شوند، در هر زمانی که این شرط محقق شود، یعنی هر کدام از اشخاص دخیل در پرونده ترور سردار سلیمانی و همراهانشان در ایران دستگیر شوند، امکان تعقیب و محاکمه آنها بر مبنای صلاحیت جهانی فراهم خواهد شد.

نتیجه‌گیری

- با عنایت به بررسی‌های انجام یافته نتایج بدست آمده بدین شرح می‌باشند،
۱. صلاحیت، در حقوق بین‌الملل، به معنای شایستگی یک دولت در تنظیم قوانین و مقررات خود و اعمال و اجرای آنها توسط محاکم قضایی داخلی است. با توجه به این تعریف و آنچه که در حقوق بین‌الملل مطرح می‌باشد، تقسیم صلاحیت دولت‌ها به تجویزی، قضایی و اجرایی عام‌ترین تقسیم‌بندی است که در اغلب اسناد نیز همین تقسیم‌بندی مورد توجه قرار گرفته است.
 ۲. صلاحیت تجویزی یا قانونی، مبتنی بر صلاحیت‌های سرزمینی و فراسرزمینی هستند. منظور از صلاحیت‌های فراسرزمینی؛ صلاحیت واقعی، شخصی (منفی و مثبت) و صلاحیت جهانی می‌باشند که توسط کشورها با برخی تفاوت‌های جزئی در گسترش صلاحیت تجویزی مورد توجه قرار گرفته‌اند.
 ۳. در پرونده ترور سردار سلیمانی؛ صلاحیت تجویزی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای صلاحیت‌های یاد شده مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به بررسی‌های صورت گرفته می‌توان به این نتیجه رسید که جمهوری اسلامی ایران تحت شرایط پیش‌بینی شده با توسل به صلاحیت‌های واقعی، شخصی (منفی) و صلاحیت جهانی می‌تواند نسبت به اعمال قوانین خود اقدام نماید.
 ۴. با توجه به فراهم بودن تمامی شرایط پیش‌بینی شده در ماده ۵ ق.م.ا.مصوب ۱۳۹۲ برای اعمال صلاحیت واقعی در این پرونده، جمهوری اسلامی ایران، صلاحیت قانونی تعقیب و پیگیری پرونده سردار سلیمانی و همراهان ایشان و اعمال مجازات علیه مرتکبین این جنایت غیرانسانی و ناجوانمردانه توسط محاکم قضایی داخلی را دارد.
 ۵. همچنین، در صورت استرداد یا دستگیری هر یک از اشخاصی که به نوعی در ارتکاب این جنایت نقش داشته‌اند، دولت جمهوری اسلامی ایران، با اعمال صلاحیت شخصی (منفی) و جهانی نیز امکان تعقیب، محاکمه و اعمال مجازات علیه هر یک مرتکبین این پرونده را خواهد داشت. از منظر صلاحیت قضایی و اجرایی نیز با توجه به پویایی، فعال بودن، توانایی و تمایل سیستم قضایی این کشور و اینکه

اعمال صلاحیت توسط دیوان کیفری بین‌المللی از نوع تکمیلی بوده و در صورت حصول تمام شرایط تنها زمانی امکان‌پذیر است که محاکم آن کشور ناتوان باشند یا در صورت توانایی، تمایلی برای رسیدگی نداشته باشند. بنابراین دولت جمهوری اسلامی ایران، واجد صلاحیت قضایی و اجرایی نیز خواهد بود.

منابع

- آزمایش، علی. (۱۳۸۷). مفهوم بی کیفری در حقوق بین‌الملل. مجموعه مقالات همایش سازمان ملل متحد و مقابله با بی کیفری. چاپ اول. تهران: انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد. ۱۱ (۲). ۱۲-۲۹.

<https://www.sid.ir/fa/seminar/ViewPaper.aspx?ID=16062>

- بلدسو، رابرت و بوسچک، بولسلاو. (۱۳۷۵). فرهنگ حقوق بین‌الملل. ترجمه و تحقیق: علی رضا پارسا. تهران: نشر قومس.
- پرادل، ژرژ دولا. (۱۳۸۸). صلاحیت جهانی. ترجمه: سیدعلی هنجنی. مجله تحقیقات حقوقی. ۱۲ (۵۰). ۵۱-۷۶.

<https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article.html۵۶۲۸۷>

- پوربافرانی، حسن. (۱۳۹۲). حقوق جزای بین‌الملل. چاپ سوم. تهران: انتشارات جنگل.
- پوربافرانی، حسن. (۱۳۹۵). مبانی و تحولات اصول صلاحیت مبتنی بر رابطه تابعیت. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری. ۵ (۱۷). ۹-۳۰.

<http://ensani.ir/fa/article/370710>

- حسینی‌نژاد، حسینقلی (۱۳۷۳). حقوق کیفری بین‌الملل. چاپ اول. تهران: نشر میزان.
- خالقی، ابوالفتح. (۱۳۹۹). امکان‌سنجی تعقیب کیفری آمران ترور شهید سلیمانی. فصلنامه پژوهش‌های تطبیقی حقوق اسلام و غرب. ۷ (۲۴). ۶۲-۲۵.

http://csiw.qom.ac.ir/article_1525.html

- خبیری، کابک؛ جدلی، صفی ناز. (۱۳۸۹). صلاحیت جهانی و کارآیی آن در مبارزه و پیگیری جرایم بین‌المللی. مجله راهبرد. ۱۹ (۵۵). ۹۷-۱۲۱.

<http://ensani.ir/fa/article/220597/>

کوشا و همکاران / صلاحیت تجویزی ج.ا.ایران جهت تعقیب و محاکمه آمر و عاملین ترور سردار سلیمانی / ۳۳

- حامد، سهیلا. (۱۳۸۴). صلاحیت جهانی. چاپ اول. تهران: نشر جهاد دانشگاهی.
- رحمانی، شهرام؛ جعفری، افشین. (۱۳۹۸). تقابل یک‌جانبه‌گرایی و حاکمیت قانون در حقوق بین‌الملل؛ مطالعه موردی، تحریم‌های آمریکا علیه ایران. فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام. ۹ (۴). ۷۱-۵۳.

<https://www.sid.ir/fa/Journal/ViewPaper.aspx?ID=505338>

- رشیدی، مهناز. (۱۳۹۹). امکان‌سنجی طرح دعوا در محاکم قضایی بین‌المللی و داخلی در موضوع ترور سردار سلیمانی و همراهان. مجله حقوقی دادگستری. ۴۴ (۱۱۱). ۷۲۷-۱۰۷.

http://www.jlj.ir/article_45781.html

- شاو، ملکم (۱۹۹۴). حقوق بین‌الملل. ترجمه محمدحسن وقار. چاپ اول. تهران: انتشارات اطلاعات.
- ضیایی، سید یاسر؛ حکیمی‌ها، سعید. (۱۳۹۵). شرایط حقوقی اعمال صلاحیت جهانی در حقوق بین‌الملل، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی. ۱۸ (۵۳). ۹۷-۱۲۲.

https://qjpl.atu.ac.ir/article_7178.html

- فضائلی، مصطفی. (۱۳۹۹). ترور سردار سلیمانی از منظر حقوق بین‌الملل توسل به زور. فصلنامه پژوهش‌های تطبیقی حقوق اسلام و غرب. ۷ (۲۴). ۱۸۸-۱۵۱.

http://csiw.qom.ac.ir/article_۱۵۸۳.html

- قاسمی، غلامعلی؛ ستایش‌پور، محمد. (۱۳۹۹). مسئولیت بین‌المللی آمریکا در شهادت سردار سلیمانی. فصلنامه پژوهش‌های تطبیقی حقوق اسلام و غرب. ۷ (۲۴). ۲۱۶-۱۸۹.

http://csiw.qom.ac.ir/article_۱۵۸۰.html

- منتظران، جاوید؛ جعفری، سید اصغر. (۱۳۹۹). ترور شهید سپهد سلیمانی از منظر قواعد حقوق بین‌الملل و حقوق بشردوستانه (با تأکید بر رسالت رسانه‌های برون مرزی). پژوهش‌نامه رسانه بین‌الملل. ۵ (۵). ۳۷-۱۱.

<http://ensani.ir/fa/article/۴۳۶۵۶۷>

- میرمحمد صادقی، حسین. (۱۳۸۳). دادگاه کیفری بین‌المللی. تهران: نشر دادگستر.
- میرمحمد صادقی، حسین. (۱۳۷۶). صلاحیت دولت‌ها در رسیدگی به جرایم بین‌المللی. فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی قضایی. ۸ (۲). ۱۴۹-۱۳۶.

<http://ensani.ir/fa/article/۸۲۰۸>

- نژندی‌منش، هیبت‌اله. (۱۳۹۹). امکان‌سنجی توصیف ترور سردار سلیمانی و دیگران به مثابه جنایت علیه بشریت. فصلنامه پژوهش‌های تطبیقی حقوق اسلام و غرب. ۷(۲۴). ۲۴۵-۲۷۵.
<http://csiw.gom.ac.ir/article.html%58>
- نمایان، پیمان؛ طیبی، سبحان. (۱۳۹۳). جرم‌انگاری تروریسم سایبری در حقوق بین‌الملل کیفری. مجموعه مقالات دومین کنفرانس دفاع سایبری.

Akehurst, M. (1973). Jurisdiction in International Law. The British Year book of International Law. 1972-73.

Bruce, B. (2001). Towards the Development of an Effective System of Universal Jurisdiction for Crimes Under International Law. New England Law Review. Vol. 35.

Cassese, A. (2008). International Criminal Law. Second Edition, Oxford.

Delmas - Marty, M. (2006). Interactions between National and International Criminal Law in the Preliminary Phase of Trial at the ICC. Journal of International Criminal Justice, No. 4.

Grotius, H. (2005). The Law of War and Peace. 3 vols, Trans. J. Barbeyrac. ed. and intro. R. Tuck. Liberty Fund. Indianapolis IN.

Bowman, M.E. (1996). Is International Law Ready for the Information Age? 19 FORD-AM INT'L L.J.

Harris, D, J. (1998). Cases and Materials on International Law. Fifth Edition. Sweet and Maxwell.

Kittichaisaree, k. (2005). International Criminal Law. Third Edition. Oxford.

Meron, T. (2006). Humanization of International Law the Hague Academy of International Law. Martinus Nijhoff Publisher.

-O'Keeffe, R. (2004). Universal Jurisdiction. Clarifying the Basic Concept. JICJ. No. 2.

کوشا و همکاران / صلاحیت تجویزی ج.ا.ایران جهت تعقیب و محاکمه آمر و عاملین ترور سردار سلیمانی / ۳۵

Princeton University Program in Law and Public Affairs. (2001). The Princeton Principles on Universal Jurisdiction.

Rabinovitch, R. (2004). Universal Jurisdiction in Abstentia. Fordham Internationallawjournal, Vol. 28. Issue 2.

Ryngaert, C. (2008). Jurisdiction in International Law. Oxford. 2008.

Shaw, M, N. (1994). International Law. Third Edition. Grotius Publication.

- Sorensen, M. (1968). Manual of Public International Law, Magmillan. Martin`s Press.

Sorensen, M. (1968). Manual of Public International Law. Maghillan. New York.

Starke, J.G. (1989). INTRODUCTION TO INTERNATIONAL LAW 202-35 (10th ed) .

